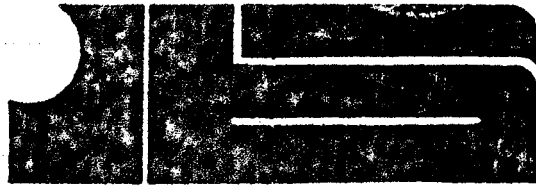


نبرد باد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم آمریکا
وبگاه داخلی



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سال نهم - شماره ۲۱۰

اردیبهشت ماه ۱۳۶۶

صفحه ۱۶

وضعیت کنونی و وظائف ما

رژیم جمهوری اسلامی با یک بحران عمومی و معرجه‌ای حاد و شدت یافته که طی سالهای شبه‌های زندگی اقتصادی - اجتماعی و اخیری سابقه است. تولید در صنایع و سیاسی را فرا گرفته است. موقعیت رژیم را بیش کثرت و خیم تر از گذشته شده و رکود موجود زبایش متزلزل و پیش شرط‌های مینسی عمیق تر گشته است. بخش عظیمی از کارخانه - سرنگونی آنها هر چه بیشتر فرا هم نموده است. ها و دیگر موسسات تولیدی تنها طی یکسال اکنون بحران اقتصادی ژرف و مزمن که

این مناسبات اشاره می‌کند و حمایت ضمنی امپریالیسم آمریکا را از سازمان مجاهدین خلق اعلام می‌دارد.

سازمان مجاهدین خلق که طی چندسال گذشته گام به گام در سیاست داخلی به منجلا بلیبرالیسم در غلطید، به توده‌های مردم پشت نمود و به دفاع آشکار از طبقه سرمایه دار و حفظ نظم پوسیده و ارتجاعی موجود برخاست، به تبعیت از همین سیاست داخلی، در سیاست خارجی نیز راه اتحاد دو همستی با مرتجعین در صفحه ۷

مجاهدین خلق ابزاری در خدمت دیپلماسی امپریالیسم آمریکا

غیرا مقامات وزارت امور خارجه آمریکا رده از روی ملاقاتهای پنهانی مقامات وزارت امور خارجه آمریکا با سازمان مجاهدین خلق در یکسال گذشته برداشته. این نخستین اراست که یک مقام رسمی دولت آمریکا به

تحولات سیاسی منطقه و پیامدهای آن

سرمقاله

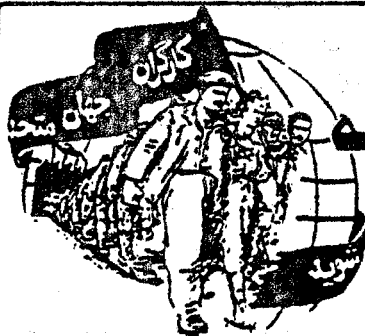
در حالی که سران رژیم جمهوری اسلامی به سیاست جنگ طلبانه و توسعه طلبانه خود ادامه میدهند و هر روز دسته دسته مردم تحت ستم ایران را با زور و جبار روانه جبهه‌های جنگ می‌کنند تا به اهداف جاه طلبانه خود جامعه عمل پوشند، اکنون مدتی است که در سیاستهای بین‌المللی چرخشی در جهت خلاف تمایلات جنگ طلبانه جمهوری اسلامی آغاز شده و یک رشته تحولات سیاسی در منطقه به زیان جمهوری اسلامی و ادامه جنگ در شرف وقوع است. این تحولات که به ویژه بنساقطعنا مه‌های اخیر شورای امنیت و مذاکرات مخفیانه اعضای این ارگان سازمان ملل آغاز گردید، و در پی آن اعضای اصلی شورای امنیت با موضعگیری‌های خود مستقیم و غیر مستقیم خواستار پایان یافتن جنگ شدند، رژیم

ما چه می‌خواهیم
و برای چه مبارزه می‌کنیم

در صفحه ۱۱

یادداشتهای سیاسی

- ☆ هراس سخنگویان سرمایه از رشد مبارزه کارگران. در صفحه ۱۰
- ☆ رفسنجانی به امپریالیسم آمریکا رهنمود میدهد. در صفحه آخر



طبقه کارگر ایران در

اول ماه مه

امسال نیز همچون سالهای گذشته پرولتاریای سراسر جهان روز اول ماه مه را به نشانه بیداری و آگاهی و اتحاد و همبستگی بهانی خود جشن گرفت و عزم و اراده خلسل با پذیر خود را به ادامه نبرد برای برانداختن نظام مبتنی بر ستم و استثمار سرمایه داری و بیجا دجا معه سوسیالیستی به نمایش گذاشت. ارگران کشورهای سوسیالیستی با برپائی شش و سرورورا هیپمانی و کارگران کشورهای سرمایه داری با راهپیمائی‌ها و تظاهراتی که رپاره‌ای موارد به درگیری و زد و خورد پس

پاسداران نظام سرمایه داری انجام میدهند. اتحاد و همبستگی خود را در شرایطی نشان دادند که دنیا ی کهنه و روبه زوال سرمایه داری باز دیگر یک بحران اقتصادی که همه تضادهای این نظام را تشدید نموده، دست به گریبان است. مبارزه طبقه کارگر اعتلا و

در صفحه ۸

آزادی و دمکراسی در گروسرنگونی جمهوری اسلامی است

در صفحه ۹

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

تحولات سیاسی منطقه و پیامدهای آن

جمهوری اسلامی را در وضعیت وخیمی قرار داده است. اگر تا چندی پیش اتحاد جماهیر شوروی بدون اینکه آشکارا به جانبداری یکی از طرفین درگیر در جنگ برخیزد، خواستار پایان یافتن جنگ و حل مناقشات میان دو دولت ایران و عراق از طریق مسالمت آمیز بود، امروزه سیاست جنگ طلبانه جمهوری اسلامی را محکوم می کند، و سیاستهای را اتخاذ نموده است که مستقیماً به زیان جمهوری اسلامی تمام می شود، در ادامه این سیاست اتحاد جماهیر شوروی است که از مدتی پیش شکاف میان جمهوری اسلامی و دو متحد آن در منطقه یعنی لیبی و سوریه پدید آمده است، رژیمهای لیبی و سوریه که از ابتدای جنگ به دفاع آشکار از جمهوری اسلامی برخاسته، سیاستهای جنگ طلبانه آنرا تأیید نمودند، و به حمایت مادی و معنوی از جمهوری اسلامی پرداخته اکنون مخالفت خود را با ادامه جنگ و سیاستهای جنگ طلبانه جمهوری اسلامی ابراز می دارند. چندی پیش قذافی آشکارا سیاست جنگ طلبانه جمهوری اسلامی را محکوم نمود و خواستار پایان یافتن جنگ گردید، این موضعگیری قذافی در شرایطی که جمهوری اسلامی بکلی منفرد گشته است، حائز اهمیت است، چرا که نه فقط یکی از متحدین پروپاقرص خود را که سابقاً برای این از حمایت مادی و تسلیحاتی و تیرسپاری و تبلیغاتی آن برخوردار بودند ز دست می دهد بلکه دیگر حتی از جنبه سیاسی نیز نمی تواند به حمایت و پشت بانی آن دلخوش کند.

یکی دیگر از متحدین جمهوری اسلامی یعنی سوریه نیز که طی چند سال اخیر به ویژه از ادامه جنگ رژیم جمهوری اسلامی حمایت نموده بود، اکنون مدتی است که از حمایت و پشت بانی همه جانبه خود از رژیم جمهوری اسلامی در جنگ دست برداشته و مستقیم و غیر مستقیم خواستار پایان یافتن جنگ شده است.

اخبار و گزارشاتی که اخیراً از ملاقات پنهانی سران دولتهای عراق و سوریه نیز منتشر گردید، تأییدی است بر جهت گیری رژیم سوریه به مخالفت با ادامه جنگ و روی گردانی از رژیم جمهوری اسلامی. این تحولات بیش از پیش

موقعیت سیاسی جمهوری اسلامی را در منطقه وخیم نموده و آن را به یک رژیم بکلی منفرد تبدیل نموده است. این انفرادی سیاسی جمهوری اسلامی بر وضعیت نظامی آن تأثیر مسلم و بلا تردیدی برجای خواهد گذاشت، و موقعیت آن را در جنگ و خیم تر خواهد ساخت. از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا که در جهت حفظ موجودیت جمهوری اسلامی و موازنه موجود در منطقه به انحای مختلف از این رژیم حمایت و پشتیبانی نموده و مستقیم و غیر مستقیم از جهت تسلیحات آنرا تأمین نموده است اکنون به ویژه پس از افشای ماجرای فروش سلاحهای آمریکائی به جمهوری اسلامی و سروصدائی که این مسئله در خود آمریکا و جهان برانگیخت، دیگر همچون گذشته قادر به پشتیبانی از جمهوری اسلامی در ادامه جنگ نیست و در تأمین تسلیحاتی آن نیز با دشواریهای روبروست. افشای ماجرای فروش سلاحهای آمریکائی به جمهوری اسلامی نه فقط افکار عمومی جهان را علیه امپریالیسم آمریکا برانگیخت، بلکه بر مناسبات امپریالیسم آمریکا و رژیمهای عربی منطقه نیز تأثیر گذاشت. در پی این وقایع بود که اخیراً ریچاردمورفی معاون وزارت امور خارجه آمریکا به خاورمیانه مسافرت نمود تا به دولتهای عربی منطقه اطمینان دهد که در برابر تهدیدات نظامی جمهوری اسلامی از آنها حمایت خواهد کرد، و درقبال مسئله جنگ نیز موضع جانبداری از پایان یافتن جنگ را اتخاذ نماید، مورفی پس از مسافرت به چند کشور عربی در بغداد اعلام کرد که آمریکا خواهان توقف جنگ است، و در این جنگ نیز هیچیک از طرفین بنا به برد دیگری پیروزی بدست آورد. این موضعگیری سخنگوی امپریالیسم آمریکا که آشکارا به زیان جمهوری اسلامی است، موقعیت جمهوری اسلامی را با زخم و خیم تر خواهد ساخت، اکنون رژیم جمهوری اسلامی نه فقط با مخالفت توده های مردم ایران و جهان در ادامه جنگ روبروست بلکه در سیاست بین المللی نیز در تنگنای وخیمی قرار گرفته است، در این شرایط هیچ یک از قدرتهای جهانی و رژیمهای منطقه نیز نه فقط قادر به حمایت از رژیم در این جنگ ارتجاعی نیستند، بلکه همگان بر توقف جنگ تأکید دارند و پی آمدت تحولات اخیر در منطقه

مستقیماً به زیان جمهوری اسلامی و تحولات جنگ طلبانه آن است. این تحولات بیش از پیش این رژیم را منفرد توان و ظرفیت آنرا در ادامه جنگ کاهش خواهد داد. جمهوری اسلامی از یکسوی وضعیت بسیار وخیم اقتصادی و نارضایتی توده های روبروست و از سوی دیگر با انفرادی فزون در مقیاس جهانی و منطقه ای مواجه است. این رژیم نه قادر است به یک پیروزی نظامی و سیاسی دست یابد، و نه در موقعیتی است که با توقف جنگ موافقت کند، اما این وضع دیگر قابل دوام نیست، اکنون دیگر جنگ به مرحله ای رسیده است که یا رژیم جمهوری اسلامی با پدپایان تحقیر آمیز جنگ را بپذیرد، این شکست سیاسی بزرگی برای آن محسوب می گردد و یا در ادامه جنگ پای فشار در موقعیت داخلی خود را متزلزل سازد، تحولات سیاسی اخیر در منطقه، در هر حال پی آمدهای وخیمی برای رژیم در پی خواهد داشت، و موقعیت آن را در جنگ تضعیف خواهد ساخت.

سرکوب دانشگاه، هراس ارتجاع از صفحه ۱۰

به موازات جنگ ارتجاعی، دانشگاهیان نیز همچون سایر نهادهای فرهنگی و آموزشی، به خدمت جنگ ویرانگر گرفته شده و تا کنون تعداد زیادی از دانشجویان قربانی مطالبات و سیاستهای این رژیم جنگ افروز شده اند. رژیم اگرچه با گزینش افراد سرسپرده و مکتبی در دانشگاهها، تا حدودی موفق با جلوگیری از فعالیتهای انقلابی دانشجویان شده است اما آتش مبارزه در دانشگاه هرگز خاموشی نخواهد گرفت و مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک دانشجویان نیز اعتلای نوینی خواهد یافت.

در شرایطی که دیکتاتور سیاه رژیم جمهوری اسلامی سایه شوم خود را بر دانشگاه گسترده است و وظیفه دانشجویان مبارز و آگاه این است که با ایجاد هسته های مخفی جهت اعتلای مبارزات دمکراتیک دانشجویان همت گمارند و با دیگر در ایفای نقش و رساله که در پیکار با دیکتاتور و واخناق برعهده دارند مجدداً تلاش ورزند.

وضعیت کنونی و وظائفها

گذشته یا بکلی تعطیل شده و یا تولید آنها به حداقل ممکن کاهش یافته است و پروژه های عمرانی تقریباً متوقف شده اند. کاهش درآمدهای دولت از نفت که در اوایل سال گذشته به پائین ترین حد ممکن خود رسید، این روند از هم گسیختگی اقتصادی را تشدید نموده و به همه عرصه ها بسط داده است. اکنون نه تنها بحران اقتصادی در زمینه های صنعتی و کشاورزی با آنها مخرب عمل میکند بلکه در عرصه بازرگانی نیز چنان از هم گسیختگی پدید آورده که در نوع خود کم نظیر است. کاهش درآمدهای ارزی دولت از نفت، بحران مالی رژیم نیز تشدید شده است. مخزن دولت کاملاً تهی است، انتشار اسکناس بدون پشتوانه مداوم از اعتبار ارزش پول رایج می‌کاهد سیستم بانکی رژیم با نابسامانیهای غیر قابل تصویری روبروست و خامت مالی رژیم بعدی رسیده است که اکنون حتی قادر به تامین هزینه های روزمره ماشین بوردوگرا تیک - نظامی دولتی نیز نیست. تشدید بحران اقتصادی شرایط مادی زندگی عموم توده های مردم را به درجه غیر قابل تحملی وخیم نموده است. موج اخراج های وسیع کارگران منجر به افزایش کم سابقه بیکاران شده است. هم اکنون تعداد بیکاران از مرز پنج میلیون نیز گذشته است. افزایش روز افزون قیمت کالاها و کاهش مداوم دستمزدها قسمی کارگران حتی شرایط زندگی کارگرانی را که مشغول بکارند وخیم نموده به نحوی که قادر به تامین حداقل معیشت خود نیستند. بحران اقتصادی شرایط زندگی دهقانان را نیز وخیم نموده و خانسه خرابی آنها را تشدید نموده است. فشار بار بحران اقتصادی هر چند که بیش از همه بر بدوش طبقه کارگر، نیمه پرولترها و دهقانان قسار گرفته، اما در این حده محدود نشده و شرایط مادی زندگی خرده بورژوازی شهری را نیز وخیم نموده است، فقر به پدیده ای عمومی و همگانی تبدیل شده است، علاوه بر این نزدیک به ۷ سال ادامه جنگ، شدیدترین فشار را به مردم تحمیل نموده و عظیم ترین مآسای و معنوی را در پی داشته است. رژیم جمهوری اسلامی با ادامه

جنگ ارتجاعی نه فقط شرایط مادی زندگی توده های مردم را وخیم نموده بلکه صدها هزار تن از توده های مردم را فدای مقاصد جاه طلبانه توسعه طلبانه و ارتجاعی خود نموده است. دهها هزار خانواده را در افکار رعبی سرپرست نموده، میلیونها تن را آواره کرده، عموم مردم را در اضطراب و دلهره مداوم قرار داده و میلیاردها دلار شرکتهای جامعه را به نابودی کشیده است. شرایط وخیم زندگی توده های مردم و مآسای بیشمار ناشی از جنگ ارتجاعی عموم توده ها را به مقابله با رژیم کشانده است. ناراضی مدام افزایش مییابد و اعتراضات ابعاد گسترده تری بخود میگیرند. توسل رژیم به دیکتاتوری عراق و عنان گسیخته و سلب ابتدائی ترین حقوق مردم برای مهار جنبش و سرکوب اعتراض، ناراضی توده های مردم را تشدید نموده است. شکاف میان هیئت حاکمه و توده مردم اکنون به مرحله ای رسیده است که جز گرومی مزدور و جیره خوار و بیخوش بسیار اندکی از توده های نا آگاه، محسوم توده ها از رژیم روی گردان شده و خواهان بر افتادن آن هستند. تحت تاثیر مجموعه شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود تضاد میان توده مردم و هیئت حاکمه بشدت حادث شده است. از سوی دیگر انعکاس مجموعه تضادها و بحرانهای موجود در درون هیئت حاکمه و کلیت دستگاه دولتی، با ردیگر تضادهای درونی هیئت حاکمه را تشدید نموده و شکاف در دستگاه دولتی پیوسته عمیق تر می شود. چندین سال مداوم است که رژیم جمهوری اسلامی با تضادهای درونی خود دست به گریبان است. این تضادها مداوم تا حدیک بحران در درون هیئت حاکمه تشدید شده و شکافهای عمیق تری را پدید آورده است. اکنون نیز با تشدید بحران اقتصادی و سیاسی، ناراضی توده ها و بسجست و ناتوانی رژیم در حل تضادهای اجتماعی این بحران هیئت حاکمه مجدداً تشدید شده است. دوجناح اصلی به مقابله آشکار با یکدیگر برخاسته و در درون هر یک از دوجناح نیز دسته بندیهای رنگارنگی شکل گرفته است. هر جناح مدعی حل بحران به شیوه خاص خود

می‌باشد و جناح دیگر را مسئول بحران و وخامت اوضاع معرفی می‌کند. اما رژیم نه فقط بنا به ماهیت طبقاتی بورژوازی و خملت مذهبی خود قادر نیست برای بحران فائق آید بلکه با تشدید بحران سیاسی و اقتصادی موجود تداوم و ژرفایافتن بحران اقتصادی و سیاسی طی چند سال گذشته و تشدید مداوم این بحرانها نشانگر این واقعیت است که رژیم جمهوری اسلامی نه فقط قادر به تثبیت خود به عنوان یک رژیم بالنسبه با ثبات نبوده و نیست بلکه بیش از پیش با گذشت هر روز، زمینه های عینی سرنگونی آن بیشتر فراهم گشته است. بحرانهای که رژیم هم اکنون در عرصه های مختلف اقتصادی - اجتماعی و سیاسی با آن روبروست در عین حال بیانگر این حقیقت است که تضادهای اجتماعی به چنان مرحله ای از رشد و حدت خود رسیده اند که حل نهایی خود را می‌طلبند، اما حل این تضادها از طریق زرفرم و اصلاحات ناچیز ممکن نیست، بلکه راه حلهای انقلابی را می‌طلبند. بدون اجتناب از انقلابی توده ای، بدون بستن دگرگونی انقلابی محل نهایی این بحرانها امکان پذیر نمی‌باشد، بدون یک رشته تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی هیچ تغییری اساسی در وضعیت موجود ممکن نیست. بحران فزاینده جمهوری اسلامی و چشم انداز فروپاشی آن نه فقط طبقات و اقشار انقلابی جامعه را به مقابله با رژیم برانگیخته، بلکه بخش‌هایی از بورژوازی را نیز در اپوزیسیون قرار داده است اما تنها طبقات و اقشار رسمی در صف آرایینی طبقاتی موجودند به این تحولات انقلابی علاقمند و در آن ذی نفع می‌باشند. در راس نیروهای که خواهان یک رشته تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران هستند، طبقه کارگر جای دارد، که اساساً در جهت استقرار سوسیالیسم و برانداختن نظام طبقاتی سرمایه داری حاکم بر ایران مبارزه می‌کند، اما نظریه اینکه پیش شرطها و شرایط عینی و ذهنی به منظور انجام یک انقلاب سوسیالیستی در ایران هم اکنون فراهم نیست، این طبقه هدف فوری خود را یک انقلاب دمکراتیک و انجام هر چه کاملتر و فوری تر

رژیم جمهوری اسلامی را باید باینکه اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

وضعیت کنونی و وظائفها

تحولات انقلابی - دمکراتیک قرار داده است، و از آنجا نیکه این انقلاب هر چه سریعتر و کاملتر به فرجام خود برسد، آن را به هدف اساسی اش نزدیکتر خواهد ساخت، پیگیریترین و قاطعترین نیروی انقلاب دمکراتیک محسوب می‌گردد، این طبقه نه فقط به لحاظ تاریخی و طبقاتی تنها نیروی است که باید انقلاب دمکراتیک را به فرجام نهائی اش برساند بلکه تجارب و درسهای انقلاب طی چندسال گذشته، ضرورت رهبری انقلاب را بسبب آن آموخته است. تنها با رهبری طبقه کارگر است که توده‌های مردم میتوانند مطالبات دمکراتیک خود را متحقق سازند، به درخواستهای ضد امپریالیستی خود جامعه عمل پوشید، و یک جمهوری حقیقتاً دمکراتیک را در ایران پایه گذاری کنند. اما هرچند که طبقه کارگر مهم‌ترین و پیگیریترین نیروی انقلاب است، تنها نیروی انقلاب در این مرحله نیست. گذشته از نیمه - پرولترهایی که به لحاظ ساخت سرمایه داری وابسته و بخران مزمین کنونی یک نیروی قابل ملاحظه را تشکیل میدهند و نزدیکترین متحد پرولتاریا محسوب می‌گردند، خرده بورژوازی نیز که در معرض انواع و اقسام فشارهای سرمایه بزرگ، استامپریالیستی، تضییقات و فشارهای متعدد حکومتی و بی حقوقی و سرکوب قرار دارد، نیروی دیگریست که به تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران علاقمند است و در این جهت مبارزه می‌کند این نیرو هرچند که بنا به ماهیت طبقاتی خود نیروی ذاتاً مردم‌دانا استوار و ناپیگیری محسوب می‌شود، اما فشارهای بی حد و حصر رژیم حاکم ایران و نیازهای عینی تحولات جامعه که در جهت منافع اوست، آن را به سوی انجام این تحولات سوق داده است و تحت رهبری طبقه کارگر میتواند در پیروزی انقلاب سهمی باشد، از این رو خرده بورژوازی شهر و روستا نیز در مرطبه کنونی انقلاب متحد پرولتاریا محسوب می‌گردد و در صفا انقلاب جای دارد. البته همانگونه که تجربه انقلاب ایران نشان داد، تمایل اقشار مختلف خرده بورژوازی به این تحولات نمیتواند یکسان باشد، در حالی که

می‌کنند، این احزاب و سازمانها با تحولات دمکراتیک - انقلابی و ضد امپریالیستی در ایران مخالفتند، منافع آنها اساساً در تضاد آشکارا با منافع توده مردم قرار دارد و دشمنی خود را با طبقه کارگر و عموم زحمتکشان ایران عملانشان داده اند. این احزاب و سازمانها هر چند ما هیتا هیچگونه تفاق و تفاهت با یکدیگر ندارند و خواستار حفظ نظم موجودند، اما قشرهای مختلف بورژوازی و یا بخش‌های مختلف آن را نمایندگی می‌کنند، برای این مینامند فروع تاکتیکی متفاهتی برای حفظ نظم موجود و منافع طبقه سرمایه دارند، برخی از تاکتیکیهای لیبرالی، فرم‌های ناچیز، آزادی سرودم بریده و شکل جمهوری حکومت بورژوازی و برخی دیگر از تاکتیک سرکوب و اختناق، شکل سلطنتی و یا جمهوری به شیوه اسلامی دفاع می‌کنند. در یک سوی این احزاب و سازمانهای بورژوازی که اساساً از منافع بورژوازی بزرگ دفاع می‌کنند، احزاب و سازمانهای سلطنت طلب و سازمانهای وابسته به جبهه ملی قرار دارند، و در سوی دیگر این طیف، نهضت آزادی و سازمان مجاهدین خلق قرار گرفته اند، همه این احزاب و سازمانها که از منافع طبقه سرمایه دار، دیکتاتوری بورژوازی، حفظ نظام سرمایه داری و از برای جای ماندن کلیه نهادهای ارتجاعی - بوروکراتیک دفاع می‌کنند، دشمن انقلاب و توده‌های مردم اند. در طیف احزاب و سازمانهای بورژوازی، ماهیت بخش عظیمی از آنها از جمله سلطنت طلبان و احزاب وابسته به جبهه ملی بر توده‌های مردم ایران افشاشده است، آنها فاقد هرگونه پایگاه توده‌ای اند و نمیتوانند به نوعی وجودی خطری برای جنبش محسوب شوند، اما بخش دیگری از اپوزیسیون بورژوازی که توسط نهضت آزادی و سازمان مجاهدین خلق نمایندگی می‌شود با توسل به لیبرالیسم و ادعای آزادیخواهی بیش از تمام احزاب و سازمانهای بورژوازی در تلاشند تا حمایت توده‌های مردم را بدست آورند، نهضت آزادی که چندان نفوذ و اعتباری در میان مردم ندارد می‌کوشد با حمایت بخشهایی از هیئت حاکمه و از طریق یک تحول مسالمت آمیز بدون هرگونه جنبشی که منافع بورژوازی را به خطر اندازد، قدرت را بدست آورد و با توسل به تاکتیکیهای لیبرالی بر بخران موجود

اقشار پائینی و میانی خرده بورژوازی بیشتر به سمت پرولتاریا و ادیکالیم گرایش دارند و دمکراتیکهای خرده بورژوا را تشکیل می‌دهند، قشر فوقانی خرده بورژوازی که از رفاه بیشتری برخوردار است و تمایل بیشتری به بورژوا شدن دارد، فوق العاده متزلزل و محافظه کار است، به همین علت نیز در صف بندیهای طبقاتی در موضعی بینا بینی قرار دارد و فاقدما هیتا انقلابی است. در این میان بورژوازی که در ایران طبقه حاکمه را تشکیل می‌دهد و منافع آن با حفظ نظم موجود مرتبط است، مخالف جدی و سرسخت هرگونه تحولات انقلابی و دمکراتیک در ایران است. بخش‌های مختلف بورژوازی علی‌رغم تضادهایی که با یکدیگر بر سر سهم خود از زغارت و چپاول و استثمار دارند در دشمنی با انقلاب و توده‌های مردم هم عقیده اند. تجربه توده‌های مسردم در دوران حکومت شاه و جمهوری اسلامی این حقیقت را به آنها آموخته است. این طبقه به کلی در صف ضد انقلاب قرار دارد و رای ماهیتی تماماً ضد انقلابی و ارتجاعی است.

بنابراین طبقه کارگر تنها در اتحاد با خرده بورژوازی و استقرار دیکتاتوری دمکراتیک انقلابی میتواند انقلاب دمکراتیک را به فرجام پیروزمندش برساند، بر اساس این صف بندی طبقاتی هم اکنون احزاب و سازمانهای شکل گرفته اند که هر یک منطبق بر منافع طبقاتی هر یک از طبقات و اقشار فوق الذکر در مبارزه سیاسی شرکت دارند و از منافع طبقه و یا قشر خود دفاع می‌کنند. ماهیت طبقاتی این احزاب که بر اساس برنامه و عملکردشان تعیین می‌گردند نشان میدهد که هر یک از احزاب و سازمانهای سیاسی موجود از منافع کدام طبقه و قشر دفاع می‌کنند؟ تا چه حد به تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی ذی علاقه اند و یا در مقابل آن قرار دارند؟ هم اکنون در ایران احزاب و سازمانهای مختلفی وجود دارند که می‌تواند آشکارا از حفظ نظام سرمایه داری، نظم ارتجاعی - بوروکراتیک و دیکتاتوری بورژوازی دفاع

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

وضعیت کنونی و وظائفها

فائق آید، سازمان مجاهدین خلق نیز که اکنون همان سیاست نهضت آزادی را در دفاع از نظم سرمایه داری، منافع طبقه سرمایه دار سرمایه بین المللی دنبال میکند، اما به منظوره قدرت رسیدن حتی از تاکتیکهای قهر آمیز نیز استفاده می کند، در تلاش است که به شیوه خاص خود با ظاهری رادیکال بر بحرانهای موجود فائق آید. این سازمان که در گذشته یک سازمان دمکرات و مبارز بود و بر همین مبنا نیز هنوز بخشهایی از توده های مردم نسبت به آن متوهم هستند و هنوز در میان بخشهایی از توده های مردم دارای نفوذ و پایگاه می باشد، در تلاش است که با توسل به شعارهای دروغین، ادعای آزادیخواهی و استفاده از تاکتیکهای قهر آمیز علیه رژیم، ماهیت بورژوازی و ضد انقلابی خود را بیوشاند و در شرایط اعتلاج جنبش با حمایت بورژوازی داخلی و بین المللی در اساس جنبش قرار گیرد و "بنام خلق قهرمان ایران" نظم موجود را حفظ کند. بی جهت نیست که امروزه امپریالیستها برای این سازمان اهمیت ویژه ای قائل اند و آن را آلترنا تيو مطلبوب برای مهار جنبش میدانند.

احزاب و سازمانهای بورژوازی فوق الذکر همگی مدافع منافع بورژوازی هستند و این طبقه را نمایندگی می کنند. اهداف این سازمانها منطبق بر منافع و اهداف طبقه سرمایه دار و علیه انقلاب و توده های مردم است. بنا بر این کلیه این سازمانها ضد انقلابی محسوب می شوند.

همانگونه که احزاب و سازمانهای متعددی از منافع بورژوازی دفاع می کنند، خسرده - بورژوازی نیز نمایندگان سیاسی خاص خود را دارد و سازمانهای مختلف خرده بورژوازی به حسب برنامه و عملکردشان تمایلات قشرهای خرده بورژوازی را نمایندگی می کنند. به عنوان نمونه کومه له که علیرغم توهمات عمود خلقی و مبهم گذاشتن قدرت سیاسی، خواهان بسر چیده شدن دستگاه بوروکراتیک و ارگانهای سرکوب و نظامی ما شین دولتی موجود است و از تسلیح عمومی خلق و شوراها دفاع می کند.

تمایل قشرهای پائینی خرده بورژوازی را نمایندگی می کند. سازمانهای دیگر نظیر راه - کارگرنیز هر چند نا پیگیر ترا ز کومه له مدافع دمکراسی هستند، اینان نیز در زمره سازمانهای خرده بورژوازی محسوب می گردند که لایه های پائینی و میانی خرده بورژوازی را نمایندگی می کنند. تمام این سازمانهای خرده بورژوازی که به تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی معتقدند، جز سازمانهای انقلابی محسوب می شوند، اما احزاب و سازمانهای نظیر حزب تسوده و اکثریتی ها که از جنبه طبقاتی منافع لایه های فوقانی خرده بورژوازی را نمایندگی مینمایند و فر فر میسم و سازش طبقاتی آنها از این سر منشأ طبقاتی ناشی می گردد، نه بیانگر انقلابی گری و دمکراتیسم خرده بورژوازی بلکه نمایندنده محافظه کاری و سازشکاری آن محسوب می گردند. این سازمانها که با ادعای دروغین دفاع از منافع طبقه کارگر نقش خرابکارانه ای در جنبش طبقه کارگر ایفا می کنند مطلقاً فاقد هرگونه ماهیت انقلابی هستند، اینان به حسب شرایط مختلف سیاسی یا مستقیماً در صف ضد انقلاب قرار می گیرند و یا هر لحظه مستعد سازش و خیانت اند، بنا بر این روشن می گردد که در طیف سازمانهای خرده بورژوازی نیز تنها احزاب و سازمانهایی که منافع لایه های پائینی و میانی خرده بورژوازی را نمایندگی می کنند و حامل دمکراتیسم انقلابی هستند، دارای ماهیتی انقلابی می باشند. شناخت ماهیت طبقاتی احزاب و سازمانهای موجود بویژه در شرایط کنونی که هر لحظه بحرانهای رژیم حادث می شود و چشم انداز اعتلاج جنبش توده ای نزدیکتر می گردد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است، چرا که این ارزیابی است که نشان میدهد کدام احزاب و سازمانها از منافع طبقاتی واقشاران انقلابی دفاع میکنند و خواهان تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی هستند، و کدامیک علیه این تحولات هستند.

بر این مبنا طبقه کارگر باید از موضع پیافشاری روی دمکراسی انقلابی، خرده بورژوازی

را بخود ملحق سازد، لیبرالیسم و فرقیسم را منفرد نماید، جمهوری اسلامی را سرنگون کند و انقلاب دمکراتیک را به فرجام پیروز منسدر برساند. در جهت تحقق این استراتژی وظیفه سازمان ما است که مقدم بر هر چیز در جهت سازماندهی طبقه کارگر تلاش کند، تا این طبقه بتواند وظایف انقلابی خویش را به انجام برساند. هر چند طبقه کارگری سالهای پرفراز و نشیب اخیر و در بطن یک رشت مبارزات حادث طبقاتی، تجارت بسیار گرانبها ارزشمندی آموخته و به آگاهی قابل ملاحظه از دست یافته است، اما هنوز از تشنگی کلان برای رهبری بلا منازع انقلاب برخوردار نیست دیکتاتور عریان و عنان گسیخته رژیم پس از سال ۶۰، ضربات جدی به تشکلهای طبقاتی این طبقه وارد آورده است، از اینرو مسئله سازماندهی طبقه کارگر اساسی ترین وظیفه است که در برابر سازمان ما قرار گرفته است این سازماندهی قبل از هر چیز مستلزم سازماندهی آگاه ترین و پیشروترین بخش کارگران در تشکلهای حزبی، در هسته های سرخ سازمانی است. اما ما در حالی می توانیم در انجام این وظیفه خود موفق باشیم که از تشکلهای تجارب گذشته بیا موزیم و سبک کاروشیو سازماندهی خود را اصلاح کنیم. سازماندهی و رهبری مبارزه طبقاتی کارگران بویژه در شرایطی که دیکتاتور عریان و عنان گسیخته بر ایران حاکم است و هرگونه فعالیت سیاسی کارگران با شدت سرکوب می گردد، مستلزم ایجاد دیکتاتوری تشکیلات مستعکم، مخفی، منضبط و پایداری در میان کارگران است، که ادامه کاریش در مبارزه تضمین شده باشد، و پایداری انقلابی و تشکیلاتی تشکیل دهند که در فن مبارزه پلیس مهارت داشته باشند و اصول و قواعد پنهنکاری را بدقت بکار می گیرند. چنین تشکیلاتی بجای گسترش سطحی به فعالیت عمقی می پردازد و بجای تکیه بر کمیت کیفیت استکا می کند و هسته های سرخ کارگر را بر اساس گزینش بسیار دقیق اعضا آ سازمان میدهد.

تشکیلاتی که بخوا هد به عنوان تشکیلات پایداری و دامه کار در میان کارگران فعالیت کند، و طبقه کارگر را سازماندهی کند، باید یک اکیدا به سبک کاروشیو فعالیت پرولتاری

حقوق ملل در تعیین سر نوشت خویش حق مسلم آنهاست

وضعیت کنونی و وظائفها

متکی باشد به کار و فعالیت، متین، پیگیر و ادامه کار بیاندیشد، از حرکت های مقطعی، عجولانه و تبلیغات گرایانه بپرهیزد و بجای اینکه در پی خودنماییهای خرده بورژوازی باشد و بخواهد بهر شکل ممکن حضور و فعالیت خود را نشان دهد، به سازماندهی یک تشکیلات مستحکم در میان کارگران بیاندیشد. بنا بر این سازمان ما با درس گیری از گذشته و تمحیج جدی سبک کار و شیوه فعالیت و سازماندهی خود می باید وظیفه خود را در امر سازماندهی کارگران از طریق ایجاد نهادهای سرخ در کارخانه ها و محلات زحمتکش نشین ایفا نماید، البته سازماندهی کارگران در تشکیلات های کمونیستی هر چند به ویژه در مقطع کنونی یکی از مهمترین وظایف ما در زمینه سازماندهی کارگران محسوب می گردد، اما تنها وظیفه ما در این زمینه نیست. سازماندهی کارگران در تشکیلات غیر حزبی یکی دیگر از وظایف ما است. رژیم سرکوبگر و ارتجاعی جمهوری اسلامی کارگران ایران را حتی از تشکیلات صنفی خود محروم نموده است، اما شرایط زندگی و فعالیت طبقه کارگر ما و این طبقه را به سوی تشکل و همبستگی سوق میدهد. مبارزه کارگران علیه سرمایه داران آن - هارا ناگزیر می سازد که متشکل عمل کنند. امروزه با توجه به دیکتاتوری و اختناق حاکم بر ایران و در همین حال چشم انداز اعتلا قریب - الوقوع جنبش و نیز با توجه به تجارب بین المللی طبقه کارگر متاسف ترین شکل تشکل غیر حزبی کارگران، کمیته های مخفی کارخانه است، بنا بر این عناصر پیشرو کارگری، فعالین و هواداران سازمان در کارخانه ها باید در جهت ایجاد این کمیته ها تلاش کنند. البته اهمیتی که با توجه به مجموعه شرایط موجود و چشم انداز آینده جنبش برای کمیته های مخفی کارخانه قائمیم، به معنای نفسی دیگر تشکیلات های غیر حزبی کارگران نیست. با پیدایش تشکل قانونی و غیر قانونی، و در هر کجا که امکانی برای متشکل کردن عمومی کارگران وجود دارد استفاده کرد. مسئله اساسی برای ما متشکل ساختن کارگران است.

به علاوه در شرایطی که گروه کثیری از کارگران و دهقانان به جبهه های جنگ اعزام شده اند، و نفرت و انزجار سر بزازان از ادامه جنگ مداوم و افزایش می باید، ایجاد کمیته های سر بزازان در جبهه های جنگ و در پشت جبهه در پادگانها، یکی دیگر از وظایفی است که میتوان در جهت متشکل کردن کارگران و زحمتکشان موثر باشد. بنا بر این اساسی - ترین وظیفه ای که امروز در برابر سازمان ما قرار گرفته است، تلاش در جهت متشکل ساختن کارگران و زحمتکشان است. سازماندهی طبقه کارگر هر چند اساسی ترین و مهم ترین وظیفه ما است، اما تنها وظیفه ما نیست. در شرایطی که چشم انداز اعتلا جنبش توده ای، و احتمال یک قیام وجود دارد یکسری دیگر از وظایفی که در برابر ما قرار گرفته است، تلاش در جهت کسب توافق و ائتلاف بسا دمکراتهای انقلابی در جهت سرنگونی رژیم است. اگر پیروزی انقلاب دمکراتیک در ایران منوط به این است که طبقه کارگر با خرد و - بورژوازی برای سرنگونی رژیم و استقرار یک رژیم دمکراتیک متحد گردد، سازمان ما باید در این زمینه نیز تلاش کند، و در جهت ائتلاف و اتحاد عمل با دمکراتهای انقلابی علییه جمهوری اسلامی بکوشد. حفظ استقلال طبقاتی کارگران و دفاع از برنامهم و تاکتیکهای پرولتری به هیچ وجه نافی این اتحاد عملها و ائتلاف ها با سازمانهای دمکرات و انقلابی نیست، ما باید در همین افشا میست سازمانهای خرده بورژوازی، و مرز بندی ایدئولوژیک - سیاسی با آنها، در جهت ائتلاف ها و اتحاد عملهای اصولی که متضمن دفاع از برنامه انقلابی پرولتاریا باشد اقدام کنیم و کم بها دادن به این امر نه فقط منجر به انفراد طبقه کارگر خواهد شد، بلکه زمینه را برای نزدیکی سازمانهای دمکرات و انقلابی بسا لیبرالها و سوسیال - رفرمیستها هموار خواهد ساخت. شرایط فوق العاده تعیین کننده ای در پیش است هر روز که بگذرد بحران اقتصادی و سیاسی موجود در دفتر می گردد، تضادهای سرحدانفجار نزدیکتر

می شوند و احتفال وقوع یک قیام در حین جنگ و حتی پس از آن به امری جدی ترتیب می گردد.

وظیفه تدارک برای یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه، وظیفه ای بسیار مهم است. سازماندهی طبقه کارگر و زحمتکشان، و تلاش در جهت کسب توافق و ائتلاف بسا دمکراتهای انقلابی به مثابه تدارک سیاسی نام از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بر مبنای آنچه که در تحلیل وضعیت کنونی و چشم انداز تحولات سیاسی اند، ما باید تمام نیرو و امکانات - مان را در جهت تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی بکار گیریم، به طرح شعارهای بلاواسطه انقلابی بپردازیم، خواسته های روزمره را با شعارهای مستقیم انقلابی همچون سرنگونی جمهوری اسلامی پیوند دهیم.

توده مردم را حول برنامه حداقل که بیانگر اساسی ترین مطالبات دمکراتیک - ضد امپریالیستی و رفاه می آنهاست، به مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق فراخوانیم، بی شری رفرمیسم و درخواست اصلاحات ناسازگار به آنها نشان دهیم و متقاعدشان سازیم که بدون سرنگونی جمهوری اسلامی و انجام یک رشته تحولات انقلابی، تحقق صلح دمکراتیک، دمکراسی و رفاه عمومی ممکن نیست. نشان دهیم که انقلاب راه حل قطعی همه بحرانهاست.



هراس سخنگویان

از صفحه ۱۵

است که علیه سرمایه داران و رژیم پاسندار منافع آنها مبارزه می کنند، و این مبارزه هر روز خادتر و عمیقتر می شود. شورا های اسلامی رژیم با تمام وظائف آنها برای کارگران افشاء شده است. کارگران ایران خاطر شورهائی را که در دوران قیام ایجاد کردند، فراموش نمی کنند، یک بار دیگر هنگامیکه جنبش توده ای مجدداً متلا یا بد، این شوراها را در تمام کارخانه ها، موسسات ایجاد خواهند کرد.

هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

مجاهدین خلق ابزاری در خدمت دیپلماسی امپریالیسم آمریکا

از صفحه ۱

سراسر جهان را در پیش گرفت. این سازمان در پی تحقق اهداف ضدانقلابی و ارتجاعی خود تلاش نمود تا حمایت و پشتیبانی امپریالیسم جهانی را بنظر قبضه قدرت سیاسی جلب کند. در راستای پیش برد این سیاست بود که نخست بسوی امپریالیستهای اروپائی روی آورد تا خود را بعنوان یک متحد قابل اعتماد به آنها معرفی کند و حمایت آنها را بدست آورد. دولت امپریالیست اروپا نیز پس از اطمینان از ماهیت سیاستهای بورژوائی مجاهدین نسبت به دوستی بسوی این سازمان دراز نموده و مناسبات خود را با آن تقویت نمودند. اما هر چند جلب حمایت و پشتیبانی امپریالیستهای اروپائی برای مجاهدین حائز اهمیت بود، با این وجود برای دست یابی آنها به قدرت سیاسی کافی نبود. آنها میبایستی به جلب حمایت امپریالیسم آمریکا این سرکرده امپریالیستها بپردازند تا از حمایت و قدرت بین المللی تمامی ارتجاع جهانی برخوردار گردند. از اینرو مجاهدین خلق طی چند سال گذشته مداوم در تلاش بوده اند تا از جهت عملی و نظری انطباق سیاست خود را با سیاست امپریالیسم آمریکا در ایران نشان دهند و اثبات نمایند که متحد و وفادار و قابل اطمینان برای آنها هستند. آنها رسماً و علناً از مبارزات گذشته سازمان مجاهدین خلق علیه امپریالیسم آمریکا در آن ایام که هنوز یک سازمان دمکرات و ضد امپریالیست بودپوزش طلبیدند و با صراحت دفاع خود را از طبقه سرمایه دار، نظم سرمایه داری، و مالکیت خصوصی اعلام داشتند و از امپریالیسم آمریکا خواستند که در مناسبات خود با این سازمان تجدیدنظر کند. این سیاست نزدیکی و اتحاد با امپریالیسم آمریکا و برقراری مناسبات رسمی نخست از طریق حـزب دمکرات و جمهوریخواه و حمایت تعدادی از نمایندگان کنگره آمریکا آغاز گردید و در ادامه خود به مذاکرات رسمی میان این سازمان و دولت آمریکا طی سال گذشته انجامید. افشای این ملاقاتها از سوی مقامات رسمی آمریکا

بیانگر این واقعیت است که امپریالیسم آمریکا با اطمینان از ماهیت بورژوائی سازمان مجاهدین و دفاع آنها از منافع سرمایه جهانی رسماً آن را مورد تأیید و حمایت قرار میدهند. امپریالیسم آمریکا ضمن تأیید رسمی سازمان مجاهدین و افشای ملاقاتهای یکسال گذشته و هدف کوتاه مدت و بلندمدت را دنبال میکند هدف کوتاه مدت امپریالیسم آمریکا این است که از این سازمان بعنوان ابزاری در خدمت بندوبست های خود با جمهوری اسلامی استفاده کند. واقعیت این است که امپریالیسم آمریکا در وضعیت کنونی با همسر گونه تحولی که منافع آن را در ایران به خطر اندازد مخالف است، بر این اساس نیز طی چند سال گذشته علیرغم تضادهایی که با رژیم جمهوری اسلامی داشته از هیچ اقدامی در جهت تثبیت این رژیم و حمایت از آن فرو گذار نکرده است. امروز هم همین هدف را دنبال می کند، بویژه با تمایل روزافزون جمهوری اسلامی به بسط مناسبات خود با آمریکا و مبارزه جناحهای رقیب در جهت نزدیکی بیشتر به سرکرده امپریالیستهای جهانی، آمریکا در تلاش است که جناح مطلوب خود را که در وضعیت کنونی جناح رفسنجانی است تقویت نماید. بدین منظور از ابزارهای مختلف اقتصادی و سیاسی نیز استفاده میکند. افشای ملاقات مقامات دولتی آمریکا با سازمان مجاهدین نیز در خدمت این هدف قرار دارد تا جمهوری اسلامی را به بسط مناسبات همه جانبه تر با امپریالیسم آمریکا وادارد. در اینجا سازمان مجاهدین خلق به عنوان ابزاری در خدمت دیپلماسی آمریکا بکار گرفته شده است. اما امپریالیسم آمریکا از تقویت مناسبات خود با سازمان مجاهدین و برسمیت شناختن آن بعنوان یک آلترناتیو بورژوائی هدف درازمدتی را نیز تعقیب می کند. موقعیت و خیم اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی و بحرانهای مداومی که با آن روبروست امپریالیسم آمریکا را نگران نموده و بر همین مبنا در همان حال که با تمام قوا در جهت تثبیت جمهوری اسلامی و حمایت از جناح رفسنجانی تلاش می کند، این واقعیت را نیز مدنظر دارد که پیش از آنکه جناح مطلوب آمریکا در درون جمهوری اسلامی موقعیت ممتازی بدست آورد خود را تثبیت کند، موج یک

جنبش توده ای علیه رژیم سراسر ایران را فر گیرد و بحران سیاسی موجود سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را به امری حتمی تبدیل کند لذا در تدارک آلترناتیوی برای شرایط بحرانی بسیار وخیم نیز برانداخته است امپریالیسم آمریکا واقف است که هیچیک از جریانات بورژوائی دیگر از جمله سلطنت طلبان، سازمانهای جبهه ملی و حتی نهض آزادی در شرایط یک بحران سیاسی حاد اعتلا جنبش توده ای قادر نیستند جنبش توده ای را مهار کنند و آنرا در جهت حفظ نظم موجود منحرف سازند، چرا که این جریانها بی اعتبارتر از آن هستند که بتوانند چنی نقشی را در قبال جنبش توده ای ایفا نمایند اما در مورد سازمان مجاهدین وضع به گونه دیگریست. این سازمان تنها جریانیست بورژوائی است که به اتکامبارزات گذشته اش در میان توده های مردم از نفوذ نسبی برخوردار است، از اینرو مطلوب تری است آلترناتیو آمریکا در شرایط بحرانی و حساب محسوب می گردد. بر همین اساس امپریالیسم آمریکا حساب ویژه ای روی این سازمان با کرده است. لذا هدف درازمدت امپریالیسم آمریکا از تحکیم مناسبات خود با سازمان مجاهدین این است که در شرایط حاد بحرانی این سازمان را بعنوان آلترناتیو مطلوب خود برای مهار کردن جنبش توده ای براریکه قدرت بنشانند، این است معنا و مضمون تقویت مناسبات امپریالیسم آمریکا با سازمان مجاهدین در وضعیت کنونی و نیز هدف کوتاه مدت و بلندمدتی را که از برسمیت شناختن آن دنبال می کند.



طبقه کارگر

است. شرایط زندگی و مبارزه طبقه کارگر الزاماً این طبقه را به سوی تشکل سوق میدهد و وظیفه ماست که با تمام نیرو در این جهت تلاش کنیم، تا طبقه کارگر بتواند به عنوان یک نیرو متشکل در برابر عموم سرمایه داران و مترجم قرار گیرد، و وظیفه دوران ساز و تاریخی خود را انجام دهد.

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست

طبقه کارگرایان در اول ماه مه

گسترده‌گی نوینی یافته طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی با روی آوری به مبارزه آشکار و انقلابی علیه نظم موجود آرام، آرام خود را از نفوذ ایورتونیست - رفرمیستهای رنگارنگی که سدی بر سر راه مبارزه طبقاتی آن محسوب می‌گردند رها می‌سازد.

اما طبقه کارگرایان که در زیر یوغ یکی از ارتجاعی‌ترین رژیمهای دوران معاصر قرار گرفته است، امسال نیز نتوانست، در مبارزه آشکار و عیان همچون تمام هم‌زنجیران خود در سراسر جهان قدرت خود را به نمایش بگذارد، هر چند که در اشکال دیگری روز اول ماه مه را جشن گرفت و اتحاد و همبستگی خود را با کارگران سراسر جهان نشان داد.

ستمی که امروز در ایران بر طبقه کارگر اعمال می‌شود حقیقتاً کم نظیر است، کارگران در معرض وحشیانه‌ترین ستم اقتصادی و سیاسی قرار گرفته‌اند. شرایط مادی زندگی کارگران هیچگاه تا به این حد وخیم نبوده است، بحران اقتصادی حاکم بر ایران بیشترین و شدیدترین فشار را برگزیده این طبقه وارد آورده است. توقف فعالیت‌های اقتصادی، میلیون‌ها کارگر را از تأمین حداقل معیشت محروم نموده است. با گذشت هر روز بخش‌های دیگری از منابع و موسسات متوقف می‌گردند و گروه‌گروه کارگران به بیرون از کارخانه پرتاب می‌شوند. تعداد بیکاران اکنون دیگر از مرز ۵ میلیون نیز گذشته است. رقمی که طی سالهای اخیر بی سابقه بوده است. بحران اقتصادی بر وضعیت زندگی کارگرایان هم که مشغول به کارند اثرات وخیمی برجای گذاشته است. دستمزدها واقعی کارگران مداوماً در حال کاهش یافتن است و سطح معیشت آنها به حد غیر قابل تحملی تنزل نموده است. دیگر حتی دستمزدهای کارگر متوسط نیز جو بگوی زندگی روزمره و نمی‌باشد. در چنین شرایطی که وضعیت کارگران به نحو روزافزونی وخیم شده است، سرمایه‌داران بر شدت استثمار کارگران افزوده‌اند و با تشدید استثمار سودهای کلانسی به جیب می‌زنند، شکاف میان فقر و ثروت

از صفحه ۱

فقیروغنی، کارگرو سرمایه‌دار هر روز بیشتر می‌شود. کارگران نه فقط با فقر نسبی بلکه با فقر مطلق نیز روبرو هستند. فشاری که از طریق ادا به جنگ نیز بر کارگران اعمال می‌شود شرایط زندگی این طبقه را مشقت‌بارتر ساخته است. سیاست جنگ طلبانه جمهوری اسلامی نه فقط مستقیم و غیر مستقیم منجر به تعطیل تعدادی از کارخانه‌ها و مؤسسات شده و بسیاری از کارگران را از حداقل معیشت محروم نموده، نه فقط به بهانه تولید بیشتر به خاطر جنگ بر شدت استثمار کارگران افزوده شده و به انحای مختلف مداوم بخشی از دستمزدهای کارگران به نام کمک به جبهه‌های جنگ از آنها بازپس گرفته می‌شود، بلکه گروه‌گروه کارگر - ان را به جبهه‌های مرگ و نیستی گسیل میدارند. جنگی که منافع آن تماماً عاید سرمایه‌داران و در خدمت تأییدات توسعه طلبانه و ارتجاعی آنهاست، اما همه مصائب آن بردوش توده‌های زحمتکش قرار ندارد. ابدا دستمسی سیاسی نیز که این رژیم ارتجاعی بر طبقه کارگر اعمال می‌کند حد و مرسوزی

نمی‌شناسد، دیکتاتوری آشکار و عریان، عنان گسیخته و تروریستی رژیم جمهوری اسلامی طبقه کارگر را نیز همچون عموم توده‌های مردم ایران از ابتدائی‌ترین حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی محروم نموده است. هر جنبش و اعتراض کارگران بخاطر مطالبات برحق خویش سرکوب می‌گردد و کارگران از شکل‌های واقعی خود محروم شده‌اند. نهاد - های متعدد سرکوب مادی و معنوی در کارخانه - ها، شدیدترین فشار را بر کارگران وارد می‌آورند، تعداد کثیری از کارگران پیشرو و آگاه به خاطر دفاع از منافع طبقه کارگر یا هم اکنون در زندانهای رژیم اسیرند و یا به جوخه - های اعدام سپرده شده‌اند تمام فشارهای اقتصادی و سیاسی که فوقاً به آن اشاره شد، نشان میدهد که کارگران ایران در معرض وحشیانه‌ترین ستم اقتصادی و سیاسی قرار دارند. هر چند طبقه کارگر در تمام دوران پسر از سال ۶۰ که رژیم به تروریسم عریان و آشکار روی آورد، پیشتازی خوسرا در مبارزه علیه

رژیم نشان داده و یک لحظه از مبارزه خود غلیظ سرکوب و اعدام دست برنداشته است، با این وجود فشارهای بی‌حد و حصر اقتصادی و سیاسی، به شکل مبارزه طبقه کارگرتاثير گذارنده و از حدت مبارزه آشکار و علنی و انقلابی این طبقه کاسته شده است. اخراج بخش وسیعی از کارگران به بهانه های اقتصادی و سیاسی، اثرات منفی منسوج اخراجهای دسته جمعی بر روحیه کارگران مشغول بکار، اعزام گروه کثیری از کارگران به تجربه و مبارزه به جبهه‌های جنگ، اخراج و بازداشت کارگران پیشرو، تنزل سطح فعالیت سازمانهای انقلابی در میان کارگران، از هم پاشیدن تشکلهای عمومی کارگری، همه آنچه که ذکر شد، در زمره عوامل هستند که بشدت بر بنی سازمانی کارگران و شکل مبارزه آنها تاثیر گذارنده است. اما عوامل عینی نیرومندی دست اندر کارند، که طبقه کارگر را به سوی مبارزه با سرمایه‌داران و رژیم جمهوری اسلامی سوق می‌دهند، و خاصیت وضعیت اقتصادی و سیاسی جامعه، چشم‌انداز تشدید هر چه بیشتر بحرانهای موجود به مبارزه طبقه کارگر نیز با اعتلا نوینی خواهد بخشید، طبقه کارگرایان که در چند سال اخیر در کوران یک مبارزه حاد طبقاتی به تجارب گرانبها و ارزشمندی دست یافته، و در بن این مبارزه طبقاتی مداوماً بیدار و آگاه شده است، همه تجارب و درس‌های گذشته را به کار خواهند بست و اگر امروز رژیم به غایت ارتجاعی بر مردم تحمیل شده، اگر توده مردم تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی و سیاسی، فقر، جنگ، اختناق و سرکوب قرار گرفته‌اند، به این علت است که طبقه کارگر رهبری مبارزه را در دست نداشت و با سرنگونی رژیم شاه، دوباره سرمایه‌داران این بار بنام جمهوری اسلامی به قدرت رسیدند، اما در اعتلا نوین جنبش قطعاً طبقه کارگر با نقشی که در مبارزه عمومی توده‌ای علیه جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت دمکراتیک ایفا خواهد نمود، از تکرار فاجعه بار رویدادهای چند سال گذشته و مصائب موجود جلوگیری خواهد کرد. در جهت تقویت این نقش طبقه کارگر مسئله تشکلهای این طبقه مهمترین وظیفه‌ایست که در برابر همه پیشروان جنبش کارگری قرار گرفته در صفحه ۷



آزادی و دمکراسی در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است

چه کسی است که در ایران امروز در معرض استمگری سیاسی و بیدادگری رژیم جمهوری اسلامی قرار نداشته باشد و کدام قشر و طبقه انقلابی است که هر روز به نحوی از ناخپشاشاری ناشی از تضییقات بیشمار و دیکتاتورهای عریان و عنان گسیخته را در زندگی خود احساس نکند؟ عموم توده های مردم ایران از جور و ستمی که رژیم بر آنها اعمال می کند به ستوه آمده اند، سرکوب و اختناق و سلب حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی تا به آن حد رسیده است که مردم ایران حتی از حقوق مدنی و انسانی نیز محروم شده اند.

هنگامی که توده های مردم ایران به قیام علیه رژیم سلطنتی شاه برخاستند، اصلی ترین هدف آنها ایجاد یک حکومت دمکراتیک و تضمین آزادی و دمکراسی بود، اما مرجعین جمهوری اسلامی را به مردم تحمیل کردند، و آزادیهای را که مردم با خون خود بدست آورده بودند، از آنها بازپس گرفتند، یکبار دیگر بجای آزادی فکری و عقیده و آزادی بیان، ممنوعیت هرگونه فکری و عقیده مخالفی قرار گرفت. بجای آزادی مطبوعات تمام مطبوعات جز تعداد ناگشت شماری نشریات دولتی، از حق انتشار و بیان آزادانه عقاید محروم شدند. حق فعالیت سیاسی از تمام احزاب و سازمانهای انقلابی و پوزیسیون سلب گردید، حق تشکیل اتحادیه و سندیکا، حزب و سازمان، میتینگ و اعتصاب و هرگونه اعتراض از کارگران گرفته شد، شکنجه و زندان، اعدام و سرکوب، تفتیش و جاسوسی به اس و اساس سیاست سرکوبگرانه رژیم تبدیل گردید، حقوق ملیت های تحت ستم ایران بکلی پایمال گردید و آنها در معرض وحشیانه ترین سرکوب قرار گرفتند. مذهب رسمی دولتی سیطره ارتجاعی خود را بر تمام شئون زندگی مردم گسترده و اقلیت های مذهبی در معرض تضییقات و محدودیتهای متعدد قرار گرفتند، تبعیض بر پایه جنسیت و محرومیت زنان از حقوق اجتماعی و انسانی خود به حدی رسید، که آنها رسماً به شهروندان درجه دوم تقلیل یافتند. سیاستهای ارتجاعی و ضد دمکراتیک رژیم تا بدینجا بسط یافته که حتی زندگی خصوصی افراد نیز از تعدیات و تضییقات پلیسی - جاسوسی و مذهبی در امان نمانده است. به جرات می توان گفت که در هیچ کشوری همانند ایران، مردم از حقوق انسانی

محروم نشده اند. رژیم جمهوری اسلامی که به عنوان یک حکومت مدعی و حافظ نظم و استمران سرمایه داری، هرگونه آزادی و دمکراسی را از توده های مردم سلب نموده و دیکتاتورهای عریان و عنان گسیخته ای را بر ایران حاکم نموده است، حتی مخالفین مرتجع خود را نیز تحمل نمی کند. دشمنی بی پرده و آشکار جمهوری اسلامی با هرگونه حقوق دمکراتیک و آزادی سیاسی نه فقط از ماهیت طبقاتی این رژیم و نیکی خصلت مذهبی آن ناشی می گردد بلکه در عین حال با زتاب و وضعیت بحرانی و متزلزل رژیم است که جز با تکیه به سرنیزه و توسل به قهر و سرکوب حتی یک روز قادر نیست دوام و بقا حکومت ارتجاعی اش را حفظ کند. اگر در ایران ذره ای آزادی وجودی داشته باشد چگونه رژیم می تواند دهها هزار تن را بدون محاکمه به جوخه های اعدام بپسارد و دهها هزار تن را در سیاهچالهای قرون وسطایی خود به بند کشد و شکنجه کند؟

چگونه ممکن بود طی نزدیک به ۷ سال با ادامه جنگ ارتجاعی میلیونها انسان را کشتار کند و آواره نماید، میلیاردها دلار حاصل دست رنج زحمتکشان ایران را به جیب سرمایه داران ایران و انحصارات امپریالیستی سرازیر کند، قراردادهای اسارت بار با دول امپریالیستی منعقد نماید، دست به زدنیهای کلان بزند، رژیم جمهوری اسلامی برای پیشبرد مجموعه سیاستهای ارتجاعی خود که تماماً علیه توده های مردم و منافع آنهاست، برای مقابله با اعتراض آنها و حفظ موجودیت ننگین خود ناگزیر است ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی را از مردم سلب نماید. اما مردم ایران نیز آرام ننشسته و نخواهند نشست. مبارزات آزادیخواهان و دمکراتیک مردم ایران علیه تمام فشار و سرکوب ادامه دارد، هرگونه توهمی در میان مردم نسبت به این رژیم از مدت پیش در هم شکسته است، مردم ایران به تجربه و در عمل دریافته اند که دیکتاتور سرکوب، اختناق و سلب کلیه حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی مردم با موجودیت رژیم گره خورده است، بنا بر این کسب هرگونه آزادی سیاسی و حقوق دمکراتیک نیز تنها بانفی این رژیم و سرنگونی آن پیوند خورده است. بدون سرنگونی جمهوری اسلامی، آزادی و دمکراسی ممکن

نیست. بدون سرنگونی جمهوری اسلامی خاتمه بخشیدن به دیکتاتورهای عریان و ترور - بیستی، اختناق و سرکوب، امکان پذیر نمی باشد. آزادی و دمکراسی را باید بنا زور و سرنگونی مرجعین بدست آورد، اما هر چند که پیش شرط بدست آوردن آزادی و دمکراسی سرنگونی جمهوری اسلامی است، با این وجود تضمین یک دمکراسی واقعی و آزادیهای سیاسی در این است که قدرت سیاسی نیز در دست توده های مردم قرار بگیرد، تجربه چند سال گذشته به مردم ایران نشان داد که اگر رژیم جمهوری اسلامی نیز سرنگون گردد، اما قدرت سیاسی دوباره در دست سرمایه داران قرار بگیرد، باز هم مردم ایران به آزادی سیاسی و دمکراسی دست نخواهند یافت. تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق که در آن قدرت سیاسی در دست کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری قرار داشته باشد، مردم ایران میتوانند به یک دمکراسی واقعی دست یابند، و برای همیشه از اختناق و سرکوب و بی حقوقی رها شوند.

هراس سخنگویان

یک قدرت دوگانه در کارخانه پیش رفتند. از همین رو رژیم جمهوری اسلامی که پاسدار نظام سرمایه داری و مدافع منافع طبقه سرمایه دار است، این شوراها را با تمام قوا درهم کوبید، بجای آنها طرح ایجاد "شوراهای اسلامی" را پیش کشید که تماماً از منافع طبقه سرمایه دار دفاع می کنند و ابزاری در خدمت سرمایه هستند. هدف جمهوری اسلامی از ایجاد "شوراهای اسلامی" از یکسو این بود که خاطر شوراها را انقلابی را از ذهن کارگران بزداید و آنها را از هر شورایی بیزار کند، و از سوی دیگر از همین شوراها را برای عنوان ابزاری در جهت تعمیق سرکوب و تشدید استثمار استفاده نماید. کارگران به زودی ماهیت این شوراها را قلبی را دریافتند و از همین روست که در برابر آنها موضع گرفتند. طرح مشارکت "شوراهای اسلامی" در مدیریت کارخانه ها نیز برای اکثریت کارگران افشاء شده است. هدف از مشارکت این است که از این ارگان تماماً در خدمت سرمایه استفاده شود، به نام کارگران علیه کارگران تصمیم گیری شود، به نام کارگران استثمار کارگران تشدید

هراس سخنگویان سرمایه

از رشد مبارزه کارگران

در اوایل اردیبهشت ماه " سمینار سراسری شورا های اسلامی " برگزار شد. در این سمینار سخنگویان رنگارنگ سرمایه از نخست وزیر ارتجاع گرفته تا وزیر کار، وزیر صنایع، نمایندگان مجلس و پادوان سرمایه در کارخانه ها، مطبوعات سخنرانیهای خود به مدح و ستای "شورا های اسلامی" پرداختند، وظائف واقعی این شوراها را به مثابه ابزاری در خدمت سرمایه بیشتر روشن کردند و کارگران را از طرح مسائلی که خارج از چارچوب وظائف این ارگانها باشد بر حذر داشتند.

سرحدی زاده وزیر کار سرمایه داران در سخن رانی خود بیش از هر چیز کارگران را به "حفظ آرامش" در واحدهای تولیدی دعوت کرد و از آنها خواست که "از ایجاد بر خورد و درگیری بپرهیزید."

بهزاد نبوی وزیر صنایع رژیم نیز طی سخن رانی خود شوراها را از "انجام کارهای خلاف" بر حذر داشت و به کارگران هشدار داد که هر گونه "درگیری بین شوراها و مدیران" یک توطئه است.

آنچه که در این گردهم آیی فرمایشی جلب توجه می کند، هراس پاداران نظام سرمایه داری از رشد مبارزه طبقاتی و روحیه مبارزه جویانه طبقه کارگر ایران است. این هراس در تمام سخنرانیهای مدافعین و سخنگویان سرمایه انعکاس یافته است. ماهیست "شورا های اسلامی" ونقشی که آنها در اسارت و به بند کشیدن کارگران بر عهده گرفته اند بر اکثریت عظیم کارگران ایران روشن است. کارگران ایران که در دوران قیام و تاملت می پس از آن با ابتکار انقلابی خود شورا های کارخانه را که تجلی اراده و منافع آنها بود سازمان دادند، خط و مرز کاملاً روشنی میان آن شوراها و آنچه که جمهوری اسلامی بنام "شورا" به آنها تحمیل می کند می کنند. شوراها ای را که کارگران سازمان دادند، پیگیرانه در جهت مطالبات اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر مبارزه می کنند، آنها در بسیاری موارد، حتی به کنترل تولید پرداختند و تا حدی ایجاد

سرکوب دانشگاه، هراس ارتجاع

از صفحه آخر

دانشجویی و دانشگاه را ضروری دانست. "انقلاب" ضد فرهنگی رژیم سه سال تعطیلی دانشگاه را در پی داشت و اوج درماندگی آنرا از مبارزات دانشجویان به نمایش گذارد. تشکیل دوارگان ضد انقلابی "جها ددانشگاهی" و "ستاد انقلاب فرهنگی" حاصل تلاشهای مذبحخانه رژیم و یازتاب تضادهای هیئت حاکمه در پیشبرد سیاستهای دوجناح رقیب دستگاه رهبری به منظور به انقیاد در آوردن دانشگاهها بود.

این دوارگان ضد انقلابی، به مثابه ارگان تفتیش عقاید و ارگانهای پلیسی - جاسوسی رژیم جمهوری اسلامی، هم اکنون دانشگاهها را تحت شدیدترین کنترلهای پلیسی قرار داده و با وضع آئین نامه ها و دستورالعملهای ارتجاعی و قرون وسطایی، دانشجویان را بیش از پیش تحت فشار قرار میدهند. در صفحه ۲

زده شد و دانشگاه به لانه ارتجاع تبدیل گشت. موج دستگیری ها، اعدامها و شکنجه های قرون وسطایی بر آفتاب دوتخت لوای "حاکمیت قانون" ارتجاع هر آنچه در توان داشت علیه دانشگاه بکار گرفت تا به زعم خود، کانون آگاهی توده ها را در هم کوبد و رابطه روشنفکران انقلابی و توده های زحمتکش را بگسلد.

سرکوب دانشگاه هنگامی در دستور کار ارتجاع قرار گرفت که جنگ تمام عیاری را مجدداً در کردستان آغاز کرده بود. افشاگر - یهای گسترده دانشجویان در رابطه با کشتار زحمتکشان، بورژوازی حاکم را از آگاهی روبه تزیاید توده ها ساخت به هراس افکند و رژیم که بخوبی از نقش مبارزات دانشجویان و پیوند تنگاتنگ آنها با توده ها آگاه بود، برای پیشبرد مقاصد ارتجاعی اش و بویژه سرکوب جنبش کارگری و توده ای، سرکوب جنبش

سرود همبستگی

خلق های جهان، متحد شوید
در راه آرمان مشترک.
جهان که نعمت ما را می دهد
با بیداران ما شویب شک.
به پیش، واز یاد مبرید
در چیست قدرت شما!
به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری
به پیش، واز یاد مبرید
همبستگی را!
ای سیاه! سفید! زرد! سرخ!
نزاع های دیرین را به یک سو گذارید.
سخن گوئید با هموعان تان و ببینید
همه اندیشه ای واحد را دید.
به پیش، واز یاد مبرید
در چیست قدرت شما!
به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری
به پیش، واز یاد مبرید
همبستگی را!
برای پیش بردن امر ما
هم به تو و هم به تونیا ز هست
بایاران خود در افتادن
از نیروی خود کاستن است.

به پیش، واز یاد مبرید
در چیست قدرت شما!
به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری
به پیش، واز یاد مبرید
همبستگی را!
دارودسته حاکم بر ما
از دودستگی ما ساخت خشنوندند.
زیرا تا هست این دودستگی برجا
می توانند آسان سروری کنند.
به پیش، واز یاد مبرید
در چیست قدرت شما!
به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری
به پیش، واز یاد مبرید
همبستگی را!
کارگران جهان، متحد شوید!
تا از زنجیرها شوید آزاد.
ارتش های قدرتمند شما می جنگند
تا محو کنند خود کما می و استبداد!
به پیش، واز یاد مبرید
و مسئله به طور مشخص این است:
خواه گرسنه، و خواه سیر،
فردا فردای کیست؟
دنیا دنیای کیست؟

بیتولت برشت

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان



ما چه می‌خواهیم و برای چه مبارزه می‌کنیم

طرح برنامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که پس از بحث‌های مقدماتی درون تشکیلاتی، در اردیبهشت ماه سال ۶۳ در نشریات سازمان انتشار علنی یافت، طی سه سال در سطح جنبش و تشکیلات مورد بحث همه جانبه قرار گرفت. با جمع‌بندی این سن مباحت و پیش‌نهاداتی که طی این مدت از سوی رفقای تشکیلات ارائه گردید، طرح نهائی برنامه که دردی ماه سال ۶۵ به تصویب کمیته مرکزی سازمان رسید، تدوین گردید. اکنون ضروریست که این طرح نهائی نیز پیش از تصویب آن توسط کنگره سازمانی، در سطح جنبش منتشر گردد.



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که مدافع منافع طبقه کارگر بطور خاص و از منافع طبقه کارگر، مدافع منافع عموم توده‌های زحمتکش ایران است، اهداف و مقاصد خود را آشکارا بصورت یک برنامه اعلام می‌دارد. این برنامه که در حقیقت کیفرخواست کارگران ایران علیه نظام مبتنی بر استثمار است، سرمایه‌داری و سئد محکومیت قطعی این نظام محسوب می‌شود، در عین حال، اعلان جنگ نهائی به تمام سرمایه‌داران و کلیه مرتجعینی است که مدافع وضعیت فلاکت‌بار کنونی و نظام مبتنی بر بردگی کارمزدوری هستند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، به منظور تحقق این اهداف که چیزی جدا از اهداف و منافع طبقه کارگر نیست، عموم کارگران و زحمتکشان استثمارشده و ستمدیده ایران را به تشکیل و اتحاد حول این برنامه فرا می‌خواند.

۱- توسعه مبارزه بین‌المللی و تولید برای بازار جهانی، آنچنان مناسبات نزدیکی میان تمام ملتهای جهان بوجود آورده است که جنبش‌های بخش‌های کبیر پرولتاریا، بناگزیبیر می‌یابستی بین‌المللی شود و از مدت‌ها پیش نیز بین‌المللی شده است.

ما به‌مثابه ادامه دهندگان راه کونیست ایران که در سال ۱۲۹۹ تا سیس گردید و بیگانه‌سازمان طبقاتی انقلابی

کارگران ایران بود، خود را گردانی از ارتش جهانی پرولتاریا و بخشی از جنبش کمونیستی جهانی تلقی می‌نماییم و برای همان هدف نهائی مبارزه می‌کنیم که کمونیستهای سراسر جهان.

این هدف نهائی بوسیله خصلت جامعه سرمایه‌داری و روند توسعه آن تعیین گشته است.

۲- شیوه تولید سرمایه‌داری که وجه مشخصه اصلی آن، تولید کالائی مبتنی بر روابط تولید سرمایه‌داری است و در آن مهمترین و اساسی‌ترین بخش وسائل تولید و به تعداد قلیلی افراد تعلق دارد، در حالیکه اکثریت جمعیت مرکب از پرولترها و نیمه پرولترها بنا به موقعیت اقتصادی خود ناگزیرند بطور مداوم یا فصلی نیروی کار خود را به سرمایه‌داران بفروشند و استثمار شوند و با کار خود در آمد طبقات ثروت مند را بوجود آورند، با تحولاتی که در آغاز دهه چهل در ایران بوقوع پیوست، مسلط شد.

۳- این تحولات که بزمبناهی رشد تدریجی و طولانی مناسبات تولید کالائی و نیز نیساز سرمایه‌های امپریالیستی صورت گرفت، مناسبات تولید کالائی را تا اقصی نقطه کشور گسترش داد.

ایران که تا پیش از رفرمهای اوائل دهه چهل به‌مثابه تولیدکننده محصول واحد نفست در سیستم جهانی تقسیم کار امپریالیستی جای گرفته بود، از این پس به نحوی همه‌جانبه‌تر در نظام جهانی اقتصاد امپریالیستی ادغام گردید و به آن وابسته شد.

۴- مسلط شدن شیوه تولید سرمایه‌داری در ایران، که با صدور روزافزون سرمایه‌های امپریالیستی، گسترش صنعت نوین و استفاده از تکنیکهای جدید همراه بوده است، بطور مداوم منجر به از میدان بیرون رانده شدن موسسات کوچک بوسیله موسسات بزرگ شده است. تولیدکنندگان کوچک که پیارای مقاومت در برابر موسسات بزرگ را ندارند، دانشاخانه خرابتر میشوند، برخی به پرولتاریا تبدیل می‌گردند، نقش دیگران در عرصه اقتصادی و اجتماعی محدودتر میشود و در پاره‌ای موارد به نحو مشقت باری به سرمایه،

وابسته می‌گردند. ه پیشرفتهای تکنیکی که سرمایه‌داران را قادر می‌سازد به نحو فزاینده‌ای از کارزنسان و کودکان در پیرویه تولید و مبارزه استفاده کنند و نیز قدرت جذب بسیار محدود نیروی کار در سرمایه‌داری وابسته ایران سبب شده است که مدام تقاضا برای نیروی کار از عرضه آن عقب مانده و وابستگی کارگر مزدبگیر به سرمایه‌افزایش یا بدو سرمایه‌داران امکان بیشتر بیابند تا درجه استثمار کارگران را بالا ببرند. از این رو وجودیک ارتش عظیم از بیکاران سبب شده است که کارگران با عرضه ارزانی نیروی کار خود، در معرض ستم و استثمار شدیدتری قرار گیرند و سطح استثمار آنها فوق‌العاده افزایش یابد.

۶- بحرانهای اقتصادی که بر اثر تضاد ذاتی سرمایه‌داری به نحو اجتناب ناپذیری بطور ادواری بروز می‌کنند و در ایران بر اثر وابستگی اقتصادی، بطور مداوم و کم‌سابقه‌ای تشدید میشوند و طولانی‌تر می‌گردند، بین رولند با زهم بیشتر شدت می‌بخشند، بحرانها و دوره‌های رکود، از یک سو خانه‌خراپی تولیدکنندگان خرد را تشدید می‌کنند و از سوی دیگر وابستگی کارگر مزدبگیر به سرمایه‌افزایش می‌یابد و با سرعت بیشتری منجر به وخامت نسبی و گاه مطلق وضعیت طبقه کارگر می‌گردند. فقر و بدبختی عدم اعتماد به آینده و فقدان تائمین اجتماعی به نحو روزافزونی بیشتر می‌شود و نا ابراری شکاف میان ثروتمندان و تهیدستان مدام عمیق‌تر و وسیع‌تر می‌گردد.

۷- از این رو به نسبت اینکه تضادهای ذاتی سرمایه‌داری رشد می‌کنند و توسعه می‌یابند، بر نا رضایتی و اعتراض کارگران افزوده می‌شود، قدرت و همبستگی آنها افزایش می‌یابد، مبارزه آنها با استثمارگران تشدید میشود و تلاش برای رهایی از یوغ تحمیل ناپذیر سرمایه‌داری بیشتر میشود. در عین حال روند توسعه سرمایه‌داری با تمرکز بخشیدن به وسایل تولید و مبارزه و اجتماع کردن پیرویه کار در موسسات سرمایه‌داری، بطور مداوم امکان مادی جایگزینی سوسیالیسم به جای سرمایه‌داری یعنی امکان انقلاب اجتماعی را که

زنده باد سوسیالیسم

ما چه می‌خواهیم و برای چه مبارزه می‌کنیم

یافته‌اند. هدف نهائی تمام فعالیت‌های کمونیست‌هاست هر چه بیشتر فرا هم می‌سازد.

۸- انقلاب اجتماعی پرولتاریائی - جایگزین کردن مالکیت اجتماعی به جای مالکیت خصوصی بروسائل تولید و مبادله و نیز تولید اجتماعی سازمان یافته و برنامه‌ریزی شده، به نابرابری اجتماعی، استثمار انسان از انسان و تقسیم جامعه به طبقات پایان خواهد بخشید و بدین ترتیب تمام بشریت ستمدیده را آزاد خواهد کرد.

۹- شرط لازم برای انقلاب اجتماعی پرولتاریائی، دیکتاتور پرولتاریاست که طبقه کارگر را قادر می‌سازد مقاومت استثمارگران را در هم شکنند و تمام موانعی را که بر سر راه هدف بزرگش قرار دارد، از میان بردارد.

۱۰- رهائی طبقه کارگر تنها به دست خود طبقه کارگر میسر است. چرا که تمام طبقات دیگر جامعه علیه اختلاف منافعی که با خود دارند، همگی خواهان حفظ شالوده‌های نظام سرمایه‌داری‌اند.

۱۱- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران وظیفه خود می‌داند که تضاد ذاتی نا پذیر میان کارگران و سرمایه‌داران را فاش سازد. اهمیت تاریخی و شرایط لازم برای انقلاب اجتماعی را به پرولتاریا توضیح دهد و چاره‌ناپذیری موقعیت توده‌های زحمتکش و استثمار شده دیگر را در جامعه سرمایه‌داری، و نیز نیاز به یک انقلاب اجتماعی را برای رهائی آنان از بویغ سرمایه آشکار سازد.

۱۲- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تمام اقشار توده‌های زحمتکش و استثمار شده را تا آنجا که موضع پرولتاریا را اتخاذ می‌کنند به صفوف خود فرا می‌خواند.

۱۳- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خود را موظف میدانند که در راه تشکیل حزب کمونیست ایران که قادر باشد مبارزه طبقاتی پرولتاریا را در تمام اشکال تجلی آن تانیل به هدف نهائی رهبری کند، تلاش ورزد.

۱۴- سرمایه‌داری جهانی تقریباً از آغاز قرن بیستم به امپریالیسم که بالاترین مرحله در تکامل سرمایه‌داریست تبدیل شده است که در آن اتحادیه‌های انحصاری سرمایه‌داران، کارکنان و تراست‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای

در این مرحله از تکامل سرمایه‌داری، سرمایه‌بانکی با سرمایه صنعتی ادغام شده، صدور سرمایه به کشورهای خارجی ابعاد وسیعی بخود گرفته، جهان از نظر ارضی بین کشورهای امپریالیست تقسیم‌گشته و تقسیم اقتصادی جهان بین تراست‌های بین‌المللی آغاز شده است.

در این مرحله از تکامل سرمایه‌داری، جنگ‌های امپریالیستی که بارزترین آنها جنگ‌های جهانی اول و دوم بوده است برای تسلط بر جهان، کسب بازارهای جدید و انقیاد ملل کوچک و خلفای عقب مانده اجتناب‌ناپذیر شده است. امروز سرکردگی امپریالیسم جهانی را امپریالیسم آمریکا به‌مثابه سنگر اصلی ارتجاع جهانی وژاندارم بین‌المللی بر عهده گرفته است، که مسابقه تسلیحاتی امپریالیست‌های جنگ طلب را رهبری می‌کند. بلوک‌های متجاذب نظامی را تحکیم می‌بخشد، دست به ماجراجویی نظامی می‌زند و خطر بروز یک جنگ هسته‌ای را تشدید می‌کند.

۱۵- امپریالیسم آمریکا اصلی‌ترین دشمن مشترک کلیه نیروهای است‌کس در راه استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم پیکر می‌کنند.

۱۶- سطح فوق‌العاده بالای تکامل سرمایه‌داری جهانی، جایگزینی رقابت آزاد با سرمایه‌داری انحصاری، افزایش هزینه‌های زندگی، رشد میلیتاریسم و هزینه‌های ناشی از آن، موانع بزرگی که امپریالیسم بر سر راه مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر پدید آورده است، فکسر، خانه‌خوابی و عدم اعتماد به آینده، همه این عوامل مرحله کنونی تکامل سرمایه‌داری را به عصر انقلابات سوسیالیستی پرولتاریائی تبدیل نموده است. این عصر مدتهاست که آغاز شده و شکوه‌مندترین نمود آن انقلاب پیروزمند کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه، انقلابات شرق اروپا، جنوب شرقی آسیا، آمریکای لاتین و تشکیل یک اردوگاه از کشورهای سوسیالیستی در مقابل اردوگاه امپریالیسم است.

۱۷- تنها انقلاب سوسیالیستی پرولتاریائی می‌تواند بشریت را از شر جنگ‌ها و تمام مصائبی

که امپریالیسم به بار آورده است رهائی بخشد. ۱۳- فرارسیدن عصر انقلابات پرولتاریائی، امر آماده نمودن همه جانبه پرولتاریا را برای کسب قدرت سیاسی، بر انداختن نظام سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم به وظیفه میرم‌روز تبدیل نموده است.

انجام این وظیفه، مبارزه بی‌رحمانه علیه تمام اشکال اپورتونیزم را که به صورت مختلف موانعی بر سر راه رشد مبارزه طبقاتی پرولتاریا، رسالت تاریخی و هدف نهائی آن محسوب می‌گردند و گسست قطعی از هر گونه اپورتونیزم را می‌طلبد. از دیدگاه سازمان ما:

۱- خط اپورتونیزستی - رفرمیستی که با نفی نظری یا عملی انقلاب قهری و دیکتاتوری پرولتاریا، مارکسیسم - لنینیسم را از جوهر انقلابی‌اش تهی ساخته و سیاست سازش طبقاتی با بورژوازی را جایگزین مبارزه طبقاتی انقلابی پرولتاریا نموده است، نظیر اپورتونیزم در کشورهای اروپائی و سوسیال - رفرمیست‌های نظیر حزب توده و "اکثریت" در ایران.

۲- و نیز خط سوسیال - شوونیستی، یعنی سوسیالیست در گفتار و شوونیست در کردار که سرکردگی آن را "حزب کمونیست" چین بر عهده گرفته و با دفاع از استراتژی "سه جهان" ایضا "مبلغ سیاست سازش طبقاتی در عرصه جهانی شده است و همچنین جریان‌های ترسکیست که عمال خرابکار بورژوازی بین‌المللی در جنبش طبقه کارگر محسوب می‌شوند، جعلی‌گرا و خائن به طبقه کارگر و بطور کلی مرتد محسوب می‌شوند.

۳- علاوه بر امروزه در جنبش کمونیستی جهانی احزاب و سازمان‌های نیز وجود دارند که گرچه از مارکسیسم - لنینیسم منحرف شده‌اند، اما این انحرافات منجر به تسلط خنثی اپورتونیزستی - رفرمیستی یا سوسیال - شوونیستی در این احزاب و سازمان‌ها نشده است بلکه به گرایشات انحرافی رویزیونیستی راست (نظیر احزاب کمونیست شوروی، آلمان دموکراتیک و چکواکی) و یا چپ (نظیر حزب کمونیست آلبانی) در غلطیده‌اند. از اینرو امکان تغییر و اصلاح در آنها وجود دارد و ما دامیکه به یک جریان اپورتونیزستی -



ما چه می‌خواهیم و برای چه مبارزه می‌کنیم

- ۱- حق حاکمیت توده‌ها - قدرت دولتی باید در اختیار نمایندگان انتخابی توده‌ها باشد که در هر زمان بوسیله انتخاب کنندگان قابل عزل باشند.
- ۲- انتخابی بودن قضاوت و کلیه صاحبان منصبان کشوری و لشگری.
- ۳- تسلیح عمومی خلق و جایگزین شدن ارتش پلیس و کلیه نیروهای مسلح حرفه‌ای با ارتش توده‌ای.
- ۴- کنگره سراسری شورا‌های نمایندگان کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش شهر و روستا بمثابه عالی‌ترین ارگان حکومتی.
- ۵- حق رای همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای تمام افراد زن و مرد که به سن ۱۸ سال رسیده باشند.
- ۶- مصونیت فرد و محل زندگی او.
- ۷- آزادی مسافرت و اقامت و شغل.
- ۸- آزادی مکاتبات.

- ۹- لغو هرگونه تفتیش، شکنجه و جاسوسی.
- ۱۰- آزادی فکری و عقیده، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، حق تشکیل اتحادیه، سندیکا، شورا، احزاب و سازمان‌های سیاسی، حقوق اجتماع، میتینگ، تظاهرات و اعتصاب.
- ۱۱- جدائی کامل دستگاه مذهب از دولت و مدارس از مذهب. مدارس باید مطلقاً غیر مذهبی باشند.

- ۱۲- لغو کلیه محدودیتها و تضییقاتی که علیه اقلیت‌های مذهبی اعمال می‌شود.
- ۱۳- برابری حقوق کلیه اتباع کشور مستقل از عقیده، نژاد، جنسیت، قومیت و ملیت.
- ۱۴- لغو هرگونه تبعیض بر پایه جنسیت و برابری زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر مردان.
- ۱۵- تضمین حق تعیین سرنوشت تاسرحند جدائی و تشکیل دولتهای مستقل برای کلیه ملل ساکن ایران.

- ۱۶- منافع طبقه کارگر - روزحمتکشان ملل تحت ستم ایران در این است که مشترکاً با دولت مقتدر تشکیل دهند. اما این اتحاد اجباری بلکه ناپذیرانه و آزادانه خواهد بود.
- ۱۷- خودمختاری وسیع منطقه‌ای برای کلیه مللی که آزادانه ودا طلبانه کشور را تشکیل میدهند.

- ۱۸- لغاء هرگونه امتیاز و اعمال ستم ملی، قومی، فرهنگی و نژادی.

اعمال می‌شود و دیکتاتورهای عربی و عثمانی گسیخته‌ای که بمثابه جزء لاینفک روبنمای سیاسی سرمایه داری وابسته، توده وسیع مردم را در نا آگاهی و انقیاد نگه داشته است، پرولتاریای ایران نمی‌تواند هدف فوری خود را انقلاب سوسیالیستی قرار دهد.

بدین جهت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق را در جهت برانداختن سلطه امپریالیسم و پایگاه اجتماعی آن (بورژوازی وابسته) قطع هرگونه وابستگی اقتصادی، سیاسی و نظامی به امپریالیسم و دمکراتیزه کردن جامعه را به منظور تسهیل شرایط برای گذار به سوسیالیسم و وظیفه نخست و فوری خود قرار می‌دهد.

انقلاب ایران بخشی از انقلاب جهانی پرولتاریائی سوسیالیستی محسوب می‌گردد. جمهوری دمکراتیک خلق که حاصل قیام مسلحانه توده‌ها و تیلوراراده آنها محسوب می‌گردد، یک دمکراسی توده‌ای است که در آن اعمال حاکمیت مستقیم و بلاواسطه توده‌ها جایگزین بوروکراسی، ارتش، پلیس و کلیه نیروهای مسلح حرفه‌ای مجزا از مردم، خواهد شد.

از این رو در جمهوری دمکراتیک خلق:

- ۱- ارتش، پلیس، سپاه، کمیته‌ها، بسیج، ژاندارمری و کلیه نیروهای مسلح حرفه‌ای مجزا از مردم منحل خواهد شد و تسلیح عمومی خلسق و ارتش توده‌ای جایگزین آن خواهد گردید.
- ۲- تمام دستگاه بوروکراتیک برجیده خواهد شد و اعمال حاکمیت مستقیم توده‌ها از طریق شوراها که بمثابه نهادهای مقننه و مجریه هر دو عمل می‌کنند، برقرار خواهد شد.

سیستم انتخابی مقامات برخواهد افتاد و انتخابی بودن کلیه مناصب و مقامات جایگزین آن خواهد گردید. صاحبان منصبان حقوقی برابر با متوسط دستمزد یک کارگر ماهی در یافت خواهند کرد.

سیستم قضائی موجود منحل می‌گردد و دادگاههای خلق ایجاد خواهد شد.

در قانون اساسی جمهوری دمکراتیک خلق باید مفاد زیر تضمین شود:

فرمینی یا سوسیال شوونیستی نکا - سلفیافته اند، در جنبش کمونیستی جای دارند. - یگانه خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی که ما مدافع پیگیر آن هستیم مارکسیسم - لنینیسم را یگانه آیدئولوژی طبقه کارگر می‌شناسد و با پذیرش عمرکنونی به عنوان عصر انقلابات پرولتری، و نیز انقلاب قهری، دیکتاتور پرولتاریا و اردوگاه سوسیالیستی بمثابه متحد جهانی پرولتاریا - "وروکمونیزم" "ترتسکیسم" "خروشچفیزم" و تمام انحرافات مضمونه‌های کنگره‌های ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، (نظیر گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم، تزراه رشد غیر سرمایه داری خروشچفی، رقابت اقتصادی به عنوان مهمترین قلمرو نبرد دو اردوگاه، دولت و حزب عموم خلق ...) و نیز مدافعین استراتژی "سه جهان" و احیای سرمایه داری پر شوروی، مرزبندی قاطع دارد.

از این رو خط مارکسیستی - لنینیستی، خط انترناسیونالیستی و انقلابی پرولتری ما بر مبنای اتحاد و همکاری تام با خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی، دشمنی و مبارزه قاطعانه با خطوط اپورتونیستی - رفرمیستی و سوسیال شوونیستی و با حفظ موضع مستقل، اتحاد و مبارزه آیدئولوژیک با جریاناتی که به گرایشات انحرافی رویزیونیستی دچار شده اند، استوار می‌باشد.

کمونیستهای کشورهای مختلف بر راه اهداف نهائی مشترک خود که توسط غلبه شیوه تولید سرمایه داری در سراسر جهان معین شده است ناگزیر از اتخاذ وظائف فوری غیر متشابه اند. زیرا سرمایه داری در تمام کشورها به یک درجه توسعه نیافته و در کشورهای گوناگون سرمایه داری در محیط سیاسی و اجتماعی گوناگونی توسعه می‌یابد.

در ایران جایی که سرمایه داری هم اکنون به شیوه تولید مسلط تبدیل شده است، به سبب سلطه امپریالیسم، وابستگی اقتصادی و بقایای متعدد نظامات ماقبل سرمایه داری که موانع عمده‌ای بر سر راه پیشرفت اقتصادی و بسط کامل و همه جانبه مبارزه طبقاتی پرولتاریا محسوب می‌شوند، سیستم اقتصادی و سیاسی که بر میلیونها تن از توده‌های مردم

ما چه می‌خواهیم و برای چه مبارزه می‌کنیم

۱۸- الفاء: ریان رسمی اجباری و حق اهالی به آموزش زبان مادری در مدارس، نهادهای دولتی و استفاده از آن در مجامع عمومی.

*** ما همچنین خواهان اقدامات عمومی زیر می‌باشیم:**

۱- آموزش رایگان و اجباری تا پایان دوره متوسطه، بهره‌مندی تمام دانش‌آموزان به هزینه دولت از غذا، پوشاک، وسائل تحصیل و ایاب و ذهاب.

۲- دگرگونی بنیادی و انقلابی در نظام آموزشی موجود و اقدام فوری در جهت یک پیکار انقلابی بمنظور ریشه کن کردن بی‌سوادی.

۳- برقراری نزدیکترین پیوند بین مدرسه و کاراجتماعی مولد، تلفیق آموزش نظری و عملی. ۴- بهداشت و درمان رایگان، گسترش درمانگاهها، بیمارستانها، گسترش شیرخوارگاهها، مهدکودکها، موسسات آموزشی، بهداشتی و پزشکی.

۳- تامین مسکن و تعدیل اجاره‌ها. ۴- بمنظور کاستن از بارهزینه‌های زحمتکشان ضروریست که بعنوان یک اقدام فوری منازل، آپارتمانها و کلیه ساختمانهای متعلق به نیروهای ضدانقلاب و نیز هتلها و ساختمانهای زائد دولتی به عنوان مسکن در اختیار زحمتکشان قرار گیرد.

۵- ما دایم که مشکل مسکن بطور بنیادی حل نشده است، اجاره‌ها باید متناسب با سطح دستمزد زحمتکشان تعیین و به مرحله اجرا درآید.

۴- ایجاد کار برای بیکاران، تضمین شغلی، بیمه شدن در مقابل بیکاری و پرداخت حقوقی معادل مخارج یک خانواده ۵ نفره کارگری به بیکاران از سوی دولت.

*** به منظور مبارزه عملی در جهت برانداختن سلطه امپریالیسم، قطع وابستگی، دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور، توسعه اقتصادی و رفاه عمومی زحمتکشان ما خواهان انجام اقدامات زیر هستیم:**

۱- ملی کردن کلیه صنایع و موسسات متعلق به بورژوازی بزرگ، انحصارات امپریالیستی، موسسات و نهادهای مذهبی. ۲- ملی کردن بانکها و تمرکز آنها در یک بانک واحد.

۳- ملی کردن شرکتهای بیمه و تمرکز آنها در یک موسسه واحد.

۴- ملی کردن موسسات ارتباطی و حمل و نقل بزرگ.

۵- ملی کردن تجارت خارجی و توزیع برنامه ریزی شده کالاها از طریق تعاونیها.

۶- تمرکز اجباری صاحبان صنایع و موسساتی که سرمایه آنها در مرحله کنونی انقلاب ملی نمی‌گردد، در اتحادیه‌ها و سندیکا های صاحبان صنایع.

۷- ایجاد دوگسترش صنایع سنگین.

۸- الفاء: اسرار بازرگانی بمنظور اعمال یک کنترل واقعی بر تولید و توزیع.

۹- کنترل شوراهای کارگری بر تولید در کلیه صنایع، کارخانه‌ها و موسسات و نیز کنترل توده‌ای بر توزیع.

۱۰- الفاء: کلیه قراردادهای اسارت‌ساز امپریالیستی و افسانه‌ها و آنها برای آگاهی عموم خلق.

۱۱- لغو تمام مالیاتهای غیر مستقیم و برقرار کردن مالیات تصاعدی بر ثروت، درآمد و ارث.

*** بمنظور مصون داشتن طبقه کارگران از تهاجم جسمی و روحی و بی‌سطح توان او در مبارزه برای رهایی، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مطالبات زیر را مطرح می‌نماید:**

۱- ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل پی در پی در هفته، یک ماه مرخصی سالانه با پرداخت حقوق کامل.

۲- تقلیل کار روزانه کارگران معادن و دیگر صنایعی که با شرایط دشوار و مخاطره آمیز روبرو هستند به ۶ ساعت کار در روز و ۳۰ ساعت کار در هفته.

۳- اوقات ایاب و ذهاب و صرف غذا جزء ساعات کار محسوب شود.

۴- ممنوعیت کامل اضافه کاری.

۵- ممنوعیت سیستم پرداخت دستمزد به صورت جنسی.

۶- ممنوعیت شب کاری در تمام رشته‌های اقتصادی مگر در مواردی که به دلایل فنی یا رفاهی مطلقاً ضروریست و مورد تأیید شکل‌های کارگری قرار گرفته باشد، آن هم حداکثر به مدت چهار ساعت.

۷- ممنوعیت استخدام کودکان در صنایع تحمیل زیر ۱۸ سال.

۸- ممنوعیت کار زنان در رشته‌هایی که برای سلامتی آنها زیان آور باشد.

۹- برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان در ازای کار مساوی.

۱۰- مرخصی زنان باردار دو ماه قبل و دو ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق، با برخورداری از امکانات پزشکی، درمانی و داروئی رایگان.

۱۱- برخورداری زنان از تسهیلاتی چون شیرخوارگاه، مهدکودک، حق نگهداری و رسیدگی به نوزادان در محل کار.

۱۲- بهره‌مند شدن کارگران از حق اولاد.

۱۳- ممنوعیت کسر دستمزد بهانه جرمه، خسارت، غیبت و غیره.

۱۴- تعیین دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه‌ها و تامین معیشت یک خانواده ۵ نفره کارگری.

۱۵- افزایش دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه‌ها هر شش ماه یک بار.

۱۶- بیمه کامل اجتماعی کارگران، بیمه بیکاری، سوانح، نقص عضو، جراحت، کهولت، فرسودگی، امراض ناشی از حرفه و ازکسار افتادگی.

۱۷- برقراری کنترل کامل و سازمان یافته بهداشتی بر کلیه بناها، ایمنی محیط کار، خدمات درمانی و بهداشتی رایگان و پرداخت کامل حقوق دوران بیماری.

۱۸- تنظیم مقررات و آئین نامه داخلی کلیه مراکز تولیدی با نظارت و تصویب نمایندگان کارگران.

۱۹- تدوین قانون کار با مشارکت، نظارت و تصویب تشکلهای و مجامع کارگری.

۲۰- ایجاد کار برای کارگران بیکار و پرداخت حقوقی معادل مخارج یک خانواده پنج نفره کارگری به کارگران بیکار.

۲۱- تضمین حق تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و حق اعتصاب با پرداخت دستمزد کامل کارگران در دوران اعتصاب.

۲۲- تساوی حقوق کارگران کشاورزی و مسور خدماتی با کارگران حرفه‌ای.

*** بمنظور پایان بخشیدن به کلیه بقایای مناسبات فئودالی، بسط مبارزه طبقاتی در روستاها و افزایش سطح رفاه زحمتکشان روستا، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران**



ما چه می‌خواهیم و برای چه مبارزه می‌کنیم

جمهوری اسلامی دعوت می‌کند، از آن می‌خواه که از هرگونه حمایتی از مخالفین رقیب جمهور اسلامی دست بردارد، جلوگیری نماید و علیه رژیم را بگیرد و برای حل و فصل قطعی مسائل سلاحهای را که رژیم شاه از آمریکا خریداری نموده بوده جمهوری اسلامی تحویل دهد. شرایطی که رفسنجانی پیشنهاد می‌کند قطعه مطلوب ترین شرایط برای امپریالیسم آمریکا است، تنها شکل مسئله تحویل سلاحهای پیشرفته آمریکائی به جمهوری اسلامی است که با توجه به جنجالهایی که اخیراً بر سایر مسئله در خود آمریکا در گرفته است، نیاز به گذشت زمان دارد. اما اینکه تا کجا رفسنجانی می‌تواند این سیاست رژیم را پیش برد مشروط به عوامل داخلی است، هیچ فرضی علیت رژیم پیوسته افزایش می‌یابد، و تضا هباید درونی رژیم نیز تشدید می‌شود، و این چشم انداز وجود دارد که پیش از آنکه رهنمودهای رفسنجانی به امپریالیسم آمریکا عملی گردد، رژیم جمهوری اسلامی به دست توده های مردم ایران سرنگون گردد. تلاش رفسنجانی برای بهبود هر چه سریعتر مناسبات جمهوری اسلامی با آمریکا نیز از همین واقعیات ناشی می‌گردد، و می‌خواهد پیش از آنکه وضعیت رژیم وخیم تر از لحظه کنونی گردد، امپریالیسم آمریکا همه جانبه به یاری اش پشتا بدو در حل بحرانهای موجود یاری اش دهد.

معموم مردم از تمام مباحثات، مذاکرات، عقسند قراردادها و پیمانها با دول دیگر.

● سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در راه مبارزه به خاطر مطالبات فوق الذکر از هر جنبش انقلابی و پوزیسیون که مخالف سیستم اقتصادی و سیاسی موجود ایران باشد، پشتیبانی می‌کند. اما در همان حال کلیه اقدامات رفرمیستی را که متضمن تثبیت یا گسترش مداخلات پلیسی - بوروکراتیک در زندگی توده های مردم است قاطعانه محکوم کرده و مردود می‌شمارد.

● سازمان چریکهای فدائی خلق ایران معتقد است که تحقق مطالبات فوق الذکر تنها از طریق سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر میسر خواهد بود.

* * *

از صفحه ۱۶
رفسنجانی
به امپریالیسم آمریکا رهنمود میدهد.

اختلافاتی نیز بروز کرده است بر عهده آمریکا است. رفسنجانی آه و ناله سر میدهد و از این که طی یک دوران این مناسبات همه جانبه نبوده است افسوس می‌خورد و می‌گوید که این "قطع روابط" از جانب جمهوری اسلامی نبوده بلکه اول آمریکا شروع کرده است. او برای اینکه به امپریالیسم آمریکا اطمینان دهد که هیچگونه مانعی بر سر راه بهبود مناسبات با جمهوری اسلامی وجود ندارد به امام بزرگوارش نیز استنادی می‌جوید تا جای هیچگونه دغدغه و نگرانی نیز باقی نماند. البته رفسنجانی در اینجا هدف دیگری را نیز دنبال میکند، او با استناد به خمینی می‌خواهد رقبای خود را نیز از میدان بیرون کند و هرگونه مانعی را بر سر راه تقویت مناسبات جمهوری اسلامی بسا امپریالیسم آمریکا از میان بردارد. رفسنجانی در همین حال که بروحودت منافع حکومت الله و حکومت شیطان انگشت می‌گذارد به شیطان بزرگ رهنمود می‌دهد که گام نهایی را بردارد و خرده اختلافات را نیز حل کند.

او امپریالیسم را به پشتیبانی همه جانبه از

خواهان اجرای برنامه ارضی زیر می‌باشد:

- ۱- ملی شدن کلیه اراضی، مراتع، جنگلها و همه منابع طبیعی و زیرزمینی.
- ۲- ضبط فوری کلیه اراضی، ممالک و ابزار و وسائل تولید مملکتین و زمینداران بزرگ، موقوفات و بنیادهای متعدد مذهبی و انتقال فوری آنها به دهقانان متشکل شده در شوراها و اتحادیه های دهقانی.
- ۳- پشتیبانی از جنبش دهقانان برای مبارزه ارضی، مادم که جنبه انقلابی و دمکراتیک داشته باشد.
- ۴- اراضی مکانیزه و بطور کلی زمینهایی که به شیوه فالی کشت می‌شوند، بدون آنکه تقسیم گردند، باید تحت کنترل شوراها و کارگران کشاورزی قرار گیرند.
- ۵- متشکل کردن دهقانان خرده پا در تعاونی ها و تشویق دهقانان به کشت جمعی و ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی به منظور صرف جویی در کار و هزینه محصولات.
- ۶- لغو کلیه بدهی های دهقانان به دولت، بانکها و کلیه موسسات مالی سرمایه داران، ملاکین و ربا خواران.
- ۷- پرداخت وام بدون بهره به دهقانان و تامین هرگونه کمک تکنولوژیک از قبیل ماشین آلات، کود، بذر و غیره.
- ۸- توسعه شبکه آبرسانی و برق سراسری در جهت رفاه زحمتکشان روستا.
- ۹- بر خور داری کارگران روستا از شرایط و مزایای کارگران شهری.

بعلاوه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران وظیفه خود می‌داند که برای شکل طبقاتی مستقل پرولتاریای روستا تلاش کند. تضاد آشتی ناپذیری را که میان او و پرولتاریای دهقانی وجود دارد و نیز نیاز به یک انقلاب سوسیالیستی را توضیح دهد.

● در زمینه سیاست خارجی ما خواهان اجرای موارد زیر هستیم:

- ۱- اتحاد با خلقها و جنبش های رهاشی بخش ملل تحت ستم، کشورهای سوسیالیستی و جنبش انقلابی طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری، به مثابه سه جزء لاینفک جدایی ناپذیر و جدایی ناپذیر.
- ۲- برافتادن رسم دیپلماسی سری و آگاسی

هراس سخنگویان

شود، و به نام کارگران هرگونه اعتراض کارگران سرکوب شود. این است هدف از مشارکت شورا های اسلامی در مدیریت کارخانه ها. با این وجود و علیرغم ماهیت ضد کارگری "شوراهای اسلامی" سران رژیم با زهم ماهیت آن را حتی در سخنرانیهای خود افشا می‌کنند. هرگونه درگیری بین این شوراها و مدیران را توطئه می‌نامند و آنها را از "انجام کارهای خلاف" منع می‌کنند. اما مسئله اساسی سخنگویان و مدافعین سرمایه این شوراها نیست، چرا که آنها بخوبی ماهیت "شوراهای اسلامی" را می‌دانند، نگرانی آنها که در تمام سخنرانیها - ایشان انعکاس یافته است، از رشد مبارزه طبقه کارگر است. هشدار آنها نیز به کارگرانی در صفحه ۶

یادداشت‌های سیاسی

رفسنجانی به امپریالیسم آمریکا رهنمود میدهد

اکنون که مدتی است مناسبات پنهانسی جمهوری اسلامی با امپریالیسم آمریکا بر مملکت گشته و دیگر عوامل فریبهای این رژیم کار آتشی خود را از دست نداده است، سردمداران جمهوری اسلامی که دیگر نیازی به شعارهای با صطلاح ضد امپریالیستی برای تحمیل مردم نمی بینند، در حالیکه همچنان به مذاکرات پشت پرده با سرکرده راه زنان جهانی ادامه می دهند، زمینه را برای برقراری رسمی مناسبات نیز هموار می سازند.

هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ارتجاع و سرکرده یکی از جناحهای حاکم که در محافل امپریالیستی از آن بعنوان سیاستمداری "واقع بین" یاد میشود و ابتکار عمل زائر تجدید مناسبات همه جانبه جمهوری اسلامی با امپریالیسم آمریکا در دست دارد، اخیراً طی یک مصاحبه مطبوعاتی تمایل واقعی رژیم را در تقویت مناسبات با امپریالیسم آمریکا ابراز داشت و در پاسخ خبرنگار روزنامه واشنگتن پست گفت:

"در مورد روابط با آمریکا، این را مدتی پیش امام اعلام کردند و من هم مکرر گفتم که ما فکسر نمی کنیم تا قیامت با بدروابط با آمریکا قطع باشد. قطع روابط از آمریکا شروع شد." و ادامه می دهد: "سیاست شما آنان به ما ضربه می زند، شما می بینید، اموال ما را آن جا با یکوت کرده اید. بدون هیچ دلیلی، اسواول ما ست و پول آنها را داده ایم، چرا به ایران نمی آید و یا توطئه هائی که می شود و تبلیغات دروغی که میشود و حمایتی که از دشمنان منا میشود." نیاز به توضیح و تفسیر چندانی نیست. رفسنجانی با کرنش در برابر "شیطان بزرگ" اعلام میدارد که جمهوری اسلامی از همان آغاز تیز که با حمایت امپریالیسم آمریکا بر اریکه قدرت قرار گرفت، خواهان تقویت مناسبات خود با آمریکا بوده است و هیچ تضاد اساسی که حکومت الله و "شیطان بزرگ" را در برابر هم قرار دهد وجود نداشته است، اگر در این میان مسائلی نیز پیش آمده و در صفحه ۱۵

جنش ضد امپریالیستی - دمکراتیک دانشجویی که در راستای مبارزات دمکراتیک توده ها قرار گرفته، از دیرباز به مثابه جزئی از این مبارزات نقش خود را در ارتقا آگاهی توده ها به نحو پارزی ایفا نموده است.

ارتجاع، طی سالیان متعادی، همگام با سرکوب مبارزات طبقه کارگر و توده های زحمتکش، دانشگاه را از آنها جم خود مضمون نداشت و بدین طریق وحشت و هراس خود را از آگاهی روز افزون توده ها به نمایش گذاشته است.

خصلت دمکراتیک مبارزات دانشجویان، علیه دیکتاتوری، اختناق و جهل و خرافه پرستی، چه در سالهای پیش از قیام و چه پس از آن موجب حمایت توده ها از این جنبش گردیده و از دانشگاه همواره به عنوان سنگس آزادی و دمکراسی یاد شده است.

تتها جم رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در اول اردیبهشت ماه ۵۹، خاطره یورش ارتش سرکوبگر شاه را در ۱۶ آذر ۱۳۳۳ به هنگام ورود نیکسون به ایران در اندام توده ها زنده ساخت. اگر ضوی، قندچی و بزرگ نیا توسط مزدوران شاه در دانشگاه به خاک و خون غلطیدند، بنی صدر جنايتکار در راس اوباشان و مزدوران حکومت الهی، به سلاطین سرمایه فهمانند که برای نظم سرمایه داری و حراست از آن، وظایف سلف خود را ادامه خواهند داد.

اگر چه بنی صدر خود در گرداب تضاد قدرت های پاسدار نظم ارتجاعی قربانی گشت، اما بر بستر چنین سرکوب لجام گسیخته ای، سر درهای دانشگاه قفل جهالت و کهنه پرستی در صفحه ۱۰

سرکوب دانشگاه، هراس ارتجاع

پتك است خون من در دست کارگر
داس است خون من در دست بزرگ

گرامی باد خاطره شهدای اردیبهشت ماه سازمان

* صادق - احسان اله ایمانی	* وجیه اله چشم فروز	* عزت غروی	* اسبی
* فریدون آشوری	* علی کارگر	* ارزنگ و ناصر شایگان شام	
* غلامحسین خاکباز	* حسین نیکوکار	* فرهاد صدیقی پاشاکی	
* مسعود دانیالی	* هیبت اله بهرامی ساما	* قربانعلی زرکاری	
* محسن رفعتی	* محمدعلی حسنی	* جهانگیر باقرپور	
* رویا علی پنا فرد	* ابوالقاسم تجلی	* رضانعمتی	
* فرشته گل عنبریان	* خلیل سلیمان نژاد	* بهروز ارغمانی	
* هادی فرجادپزشک	* محمود نمازی	* اسماعیل عابدی	
* عبدالله پنجه شاهی	* کاظم سعادت	* زهره مدیرشانه چی	
* فریدون جعفری	* لادن آل آقا	* حسین فاطمی	
* نشرین پنجه شاهی	* مهوش حاتم	* میترا بلبل صفت	
* مرضیه احمدی اسکونی	* محمدرضا واحد قنبرپور	* رفعت معماران بنام	
* شیرین فضیلت کلام (معاضد)	* فرزاد دایگر	* سلیمان پیوسته حاجی محله	



صدای فدائی

۸/۵ خبروی موج کوتاه

ردیف ۷۵ متر

۶ صبح و ۱۲/۵ روز بعد

سازمان چریکهای فدائی خلقی جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق